

قرآن بیان کننده حقوق خالق و مخلوق، دفاع کننده از حقوق واقعی و عادلانه بشر و نشان دهنده راه سعادت و رستگاری انسانهاست

پاسخ قرآن به بعضی شبهات

منتدی اقرأ الثقافی

WWW.IQRA.AHLAMONTADA.COM

از مطالب مورد اشاره در این کتاب:

- ✓ جرائمی که مجازات دنیائی آنها در قرآن مشخص گردیده است
- ✓ حقوق زن، بعضی اهداف حجاب و فلسفه تعدد زوجات
- ✓ بعضی رفتارهای شرک آمیز
- ✓ موارد تجویز جنگ
- ✓ لزوم بازنگری در منشور ملل متحد
- ✓ راه وحدت و پیشرفت و ...



مؤلف: محمود جاویدان

لتحميل انواع الكتب راجع: (مُنْتَدَى إِقْرَأِ النُّقَافِي)

براي دانلود كتابهاي مختلف مراجعه: (مُنْتَدَى اقرا النُقَافِي)

بۆدابهزاندنی چۆرهها کتیب:سەردانی: (مُنْتَدَى إِقْرَأِ النُّقَافِي)

www.lqra.ahlamontada.com



www.lqra.ahlamontada.com

للکتاب (کوردی , عربي , فارسي)

بسم الله الرحمن الرحيم

با تدبّر در قرآن و جمع‌بندی آیات آن به‌ویژه آیه‌های مربوط به جنگ، مجازات دنیائی جرائم، حقوق زن، تعدد زوجات، حجاب، حقوق اقلیتها و رفتارهای شرک‌آمیز روشن می‌گردد که قرآن با قوانین حکیمانه و بشردوستانه خود مانع بداندیشی و بی‌عدالتی می‌باشد و نسبتهای بدی که در نقاط مختلف جهان به قرآن و حضرت محمد(ص) داده می‌شود و آنان را به تجویز بعضی رفتارهای ظالمانه، مخالفت با پاره‌ای از حقوق بشر و به ترویج خرافه‌پرستی متهم می‌کنند دور از حقیقت و نادرست می‌باشند و مسلمان اصیل با متابعت از قرآن و روش قرآنی حضرت محمد(ص) از عقیده و رفتاری خردمندانه و نیکو برخوردار است و با علم و عمل به قرآن می‌توان از بندگان خوب خدا و نمونه‌ای از بهترین انسانهای زمان خود بود.

سرشناسه	: جاویدان، محمود، ۱۳۲۱-
عنوان و نام پدیدآور	: پاسخ قرآن به بعضی شبهات / مؤلف محمود جاویدان
مشخصات نشر	: تهران: محمود جاویدان، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۰۶-۹۶۱۹-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: قرآن -- تحقیق
موضوع	: قرآن -- بررسی و شناخت
موضوع	: حدود (فقه) -- جنبه‌های قرآنی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۸ پ ۲ ج ۶۵/۳ BP
رده‌بندی دیوبی	: ۲۹۷/۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۰۲۶۹۹

نام کتاب: پاسخ قرآن به بعضی شبهات

موارد تجویز جنگ، مجازاتهای دنیائی جرائم، حقوق زن، بعضی اهداف حجاب و فلسفه تعدد زوجات، بعضی رفتارهای شرک‌آمیز، بازنگری در منشور ملل متحد، راه وحدت و پیشرفت و...

نگارش: محمود جاویدان، تهران، شهرک اکباتان، فاز ۲، بلوک ۱۳، ورودی ۳، شماره ۳۰۸

تلفن: ۴۴۶۴۳۵۷۹

چاپ: اول

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

چاپخانه: اطمینان

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

مرکز پخش: تهران، خ انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، بین ۱۲ فروردین و فجر رازی، پاساژ

ظروفچی، پ ۱۴۳۰، طبقه دوم، پلاک ۵، کتابفروشی دانش گستر - تلفن: ۶۶۴۸۳۰۳۰

شابک: 978-964-06-9619-4

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۵	۱- پیشگفتار.....
۸	۱/۱- قرآن از هر حدیثی بهتر است.....
۸	۱/۲- قرآن کتاب هدایت خداوند است.....
۹	۱/۳- قرآن نور است.....
۹	۱/۴- قرآن قانونی کامل و نعمتی تمام است.....
۹	۱/۵- قرآن فرقان و جداکننده حق از باطل است.....
۱۰	۱/۶- قرآن میزان سنجش حق و باطل است.....
۱۰	۱/۷- قرآن رحمت و بیان‌کننده همه حقایق مورد نیاز برای هدایت است.....
۱۰	۱/۸- حضرت محمد رسول خداوند برای همه مردم است.....
۱۰	۱/۹- حضرت محمد ابلاغ‌کننده و مبین قرآن است.....
۱۱	۱/۱۰- حضرت محمد امام و رحمت برای جهانیان است.....
۱۱	۱/۱۱- حضرت محمد مکلف به متابعت از قرآن بوده است.....
۱۱	۱/۱۲- حضرت محمد طبق احکام قرآن قضاوت و رفتار می‌نموده.....
۱۲	۱/۱۳- رسول خداوند امام و سرمشقی نیکو است.....
۱۲	۱/۱۴- همه باید قرآن را وسیله اتحاد خود با یکدیگر قرار بدهیم.....
۱۲	۱/۱۵- حضرت محمد و سایر افراد به تمسک به قرآن موظف گردیده‌اند.....
۱۳	۱/۱۶- در اثر اغواگری‌ها ایمان و اعمال اکثر خداپرستان به شرک گرائیده.....
۱۴	۱/۱۷- قرآن باید بطور مداوم مورد مطالعه قرار گیرد.....
۱۴	۱/۱۸- خداوند برای آشنائی و عمل به قرآن آن را آسان نموده.....
۱۵	۱/۱۹- باید برای افزایش دانش و بهره‌گیری از خرد خویش تلاش کنیم.....
۱۶	۱/۲۰- با متابعت از کتاب هدایت خداوند رستگار باشیم.....
۱۷	الف/۱- در رابطه با ارتداد.....
۱۷	ب/۱- درخصوص مخفی نگه داشتن آیات.....
۱۹	پ/۱- در مورد شکایت رسول خدا.....

- ۲- مقدمه: قرآن باطل کننده اتهامات مطروحه علیه اسلام است..... ۲۰
- ۳- جرائمی که مجازات دنیائی آنها در قرآن مشخص شده..... ۲۳
- ۳/۱- کیفر قرآنی زنا و لواط..... ۲۳
- ۳/۲- اعدام: کیفر محاربه با خدا و رسول و افساد فی الارض و قتل عمد..... ۲۷
- ۳/۲/۱- بزه محاربه و افساد فی الارض در قانون مجازات..... ۲۸
- ۳/۲/۲- مصادیقی قرآنی از بزه محاربه و افساد، توأم با فلسفه حجاب..... ۲۹
- ۳/۳- کیفر قذف یا رمی بهتان زنا..... ۳۳
- ۳/۴- کیفر سارق..... ۳۴
- ۳/۴/۱- نمونه‌هائی از آیات مورد استناد در رابطه با مبحث سرقت..... ۳۶
- ۳/۴/۱/۱- اگر سارق محارب محسوب شود مجازات محارب را دارد..... ۳۶
- ۳/۴/۱/۲- ضرورت انفاق..... ۳۷
- ۳/۴/۱/۳- پرداخت زکات..... ۳۸
- ۳/۴/۱/۴- در رابطه با پرداخت صدقه..... ۳۹
- ۳/۴/۱/۵- درخصوص قرض الحسنه..... ۳۹
- ۳/۴/۱/۶- در مورد انفال..... ۳۹
- ۳/۴/۱/۷- آیه مربوط به خمس و موارد مصرف آن..... ۴۰
- ۳/۴/۱/۸- وجوب عدالت‌ورزی حاکمان..... ۴۱
- ۳/۴/۱/۹- وجوب اطاعت از سرپرستان امور، در حد وظیفه و مسئولیت قرآنی آنان..... ۴۲
- ۳/۴/۱/۱۰- باید به امامت قرآن برای اصلاح امور فردی و اجتماعی تلاش کرد..... ۴۲
- ۳/۴/۱/۱۱- با برقراری عدالت، انگیزه جرائمی نظیر سرقت را به حداقل برسانیم..... ۴۳
- ۳/۴/۱/۱۲- خداوند برای بندگان خود امنیت و رفاه را می‌پسندد..... ۴۳
- ۳/۴/۱/۱۳- اگر تقوای مؤمن افزایش یابد دقت اودر قرآن بیشتر و بدیهایش کمتر می‌شود..... ۴۴
- ۳/۴/۱/۱۴- مسلمانان باید از لحاظ رشد، سرآمد امتها باشند..... ۴۵
- ۳/۴/۲- بزه سرقت در قانون مجازات..... ۴۶
- ۳/۵- قصاص عضو: کیفر کسی که به بدن دیگران صدمه می‌زند..... ۴۷
- ۳/۶- کیفر قتل غیرعمد..... ۴۹

- ۵۰..... ۳/۶/۱- در رابطه با حقوق میهمانان و اقلیت‌های کشور
- ۵۴..... ۳/۶/۲- در رابطه با حقوق زن
- ۵۶..... ۳/۷- کیفر شکستن عهد و سوگند
- ۵۷..... ۳/۸- کیفرظهار
- ۵۹..... ۳/۹- کیفر زوجه ناشزه
- ۶۱..... ۳/۹/۱- لزوم تذکر به همسری که از انجام وظایف زوجیت خودداری می‌کند
- ۶۳..... ۳/۹/۲- بی‌اعتنایی در بستر
- ۶۴..... ۳/۹/۳- ضرب ساده و بی‌خطر
- ۶۷..... ۳/۹/۳/۱- در رابطه با تکالیف قانونی زوجین نسبت به یکدیگر و فرزندان
- ۶۸..... ۳/۹/۳/۲- نظریه و پیشنهاد در مورد جنبه جزایی نشوز
- ۷۰..... ۳/۹/۴- متارکه‌ای منصفانه
- ۷۴..... ۳/۹/۴/۱- قانون در رابطه با طلاق و اقسام آن
- ۷۶..... ۳/۹/۴/۲- هدف قرآن از تجویز تعدّد زوجات
- ۸۰..... ۳/۹/۴/۳- قانون و تعدّد زوجات
- ۸۳..... ۳/۱۰- کیفر کسی که در حال احرام شکار کند
- ۸۴..... ۳/۱۱- کیفر کسی که در مسجد شرک‌ورزی می‌کند
- ۸۵..... ۳/۱۱/۱- نمونه آیات در رابطه با مبحث شرک
- ۸۵..... ۳/۱۱/۱/۱- شرک به خداوند ستمی عظیم است
- ۸۵..... ۳/۱۱/۱/۲- شرک به خدا گناهی غیرقابل بخشش است
- ۸۵..... ۳/۱۱/۱/۳- شرک به پروردگار موجب تباهی اعمال است
- ۸۶..... ۳/۱۱/۱/۴- گناه شرک در مسجد از گناه شرک در سایر مکانها بزرگتر است
- ۸۶..... ۳/۱۱/۱/۵- مسجد باید از مظاهر شرک و خرافه پاک باشد
- ۸۷..... ۳/۱۱/۲- نمونه‌هایی از رفتارهای شرک‌آمیز
- ۸۸..... ۳/۱۱/۲/۱- شیطان در گمراه نمودن اکثر ما انسانها موفق است
- ۸۸..... ۳/۱۱/۲/۲- اکثر مردم به قرآن ایمان نخواهند آورد
- ۸۹..... ۳/۱۱/۲/۳- بیشتر افراد مؤمن به خدا نسبت به او شرک می‌ورزند

- ۳/۱۱/۲/۴- ممنوعیت غلو در دین- نمونه‌هایی از شرک‌ورزی و هشدارها..... ۹۰
- ۳/۱۱/۳- توضیح در رابطه با مبحث کیفر شرک در مساجد..... ۹۵
- الف- ۳/۱۱/۳- قرار دادن نام مخلوق در کنار نام خالق بی‌همتا..... ۹۸
- ب- ۳/۱۱/۳- خواندن غیرخدا و طلب امداد غیبی از آن..... ۹۸
- پ- ۳/۱۱/۳- بهترین راه برای اجتناب از شرک: خودسازی طبق آموزه‌های قرآن است..... ۹۸
- ۴- تجویز جنگ‌های دفاعی عادلانه ضمن تأکید به تقویت توانمندیهای جامعه اسلامی..... ۹۹
- ۴/۱- لزوم جدیت و مداومت در مطالعه قرآن..... ۱۰۰
- ۴/۲- تقوا نیرویی بازدارنده از هرگونه ستم و محرک انجام نیکویی‌هاست..... ۱۰۰
- ۴/۳- بنده خدای مهربان نسبت به مردمان مهربان و متواضع است..... ۱۰۲
- ۴/۴- مسلمان دقت می‌کند تا سخن او منطبق با واقع و خردمندانه باشد..... ۱۰۲
- ۴/۵- در دفاع از حق..... ۱۰۲
- الف- ۴/۵- اذن جنگ به مظلوم برای دفاع از حق خود..... ۱۰۲
- ب- ۴/۵- دفاع باید متناسب با حمله و ستم دشمن باشد..... ۱۰۳
- پ- ۴/۵- اذن دفاع از حق در مقابل مشرکین و کفار پیمان‌شکن..... ۱۰۴
- ت- ۴/۵- لزوم جنگ با گروهی از مسلمین که به گروهی دیگر ستم می‌کنند..... ۱۰۵
- ث- ۴/۵- اجازه پیکار با اقلیت‌هایی که از پرداخت مالیات عادلانه خودداری می‌کنند..... ۱۰۶
- ۴/۶- جنگ برای کمک به مظلومین و دفع ستم از آنان..... ۱۰۶
- ۴/۷- مسلمان باید در راه خدا و احقاق حق مقاوم باشد..... ۱۰۷
- ۴/۸- مسلمان نباید جنگ طلب باشد..... ۱۰۸
- ۴/۹- مسلمانان باید با پندار و گفتار و رفتاری عادلانه قیام کننده به عدالت باشند..... ۱۰۹
- ۴/۱۰- مسلمانان باید با پندار و گفتاری نیکو در مسیر صلاح و حق تلاش نمایند..... ۱۱۰
- ۴/۱۱- مسلمانان باید قوی و عزتمند باشند..... ۱۱۱
- ۴/۱۲- لزوم ابراز قاطعیت در برابر کفار حربی..... ۱۱۲
- ۴/۱۳- لزوم تبیین حق و خودداری از ستم..... ۱۱۳
- ۵- لزوم بازنگری در منشور ملل متحد و حذف اختیار وتو..... ۱۱۶
- ۵/۱- نمونه‌ای از آیات قرآن در رابطه با ممنوعیت ایجاد ناامنی و بیعدالتی..... ۱۱۸
- ۵/۲- موافقت اجمالی منشور ملل متحد با حفظ صلح و امنیت عادلانه..... ۱۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

«...الحمد لله وسلامٌ على عباده الذين اصطفى»

با سلام و اداء احترام؛ بمنظور تضارب آراء، شکوفائی اندیشه‌ها و اصلاح امور در جهت خشنودی پروردگار متعال به استحضار می‌رسانم:

۱- پیشگفتار:

در صورتیکه عقاید، اعمال و قوانین خویش را به آیات روشن و محکم قرآن منطبق نمائیم علاوه بر آنکه موجبات رستگاری اُخروی خود را مهیا می‌کنیم دامنه عدالت، آزادی، رفاه، امنیت و سایر نیکویی‌ها را در دنیا گسترش خواهیم داد:

بعضی قول و حدیث‌ها حق را به باطل پوشانیده و شرک و خرافه را به توحید و یگانه پرستی آمیخته و تفرقه و فساد را افزایش داده‌اند و

به بیان قرآن که می‌فرماید: «... لَمْ تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ... چرا حق را به باطل می‌پوشانید... (۷۱ آل عمران) - وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ... - واز مردمان کسانی (هستند که) بدون دانش، خریدار روایاتی بیهوده‌اند تا (خود و دیگران را) از راه خدا گم نمایند... (۶ لقمان)»

برخی از ما انسان‌ها ندانسته به تعدادی از احادیث نادرست گرایش پیدا کرده و بعضی از اعتقادات و اعمال خود را براساس آن‌ها شکل داده‌ایم، درحالی‌که طبق بعضی بررسی‌ها و به تصریح آیاتی که نمونه‌هایی از آن‌ها ذیلاً بیان می‌شود قرآن کریم بهترین حدیث^۱، کتاب هدایت خدا^۲، نور^۳، قانونی کامل و نعمتی تمام^۴، فرقان^۵ و میزان سنجش حق و باطل^۶، رحمت و بیان‌کننده همه حقایق مورد نیاز برای هدایت و کمال و رستگاری بشر می‌باشد^۷، و حضرت محمد(ص) نیز رسول خدا^۸، ابلاغ‌کننده و مبین قرآن^۹، امام و رحمت^{۱۰} و در متابعت از قرآن^{۱۱} و در عمل به دستورات آن^{۱۲} سرمشقی نیکو^{۱۳} برای جهانیان بوده، آن حضرت و سایر انسان‌ها مخصوصاً مسلمانان به تمسک به قرآن^{۱۴} و اجرای دستورات آن موظف گردیده و از تفرقه و داشتن عقیده و عمل خلاف قرآن ممنوع شده‌اند^{۱۵}.

البته بعضی روایات دارای مفاهیمی حکیمانه، پندآموز و درجهت تبیین و تفسیر مطالب مندرج در کتاب‌های الهی می‌باشند، ولی آنچه

مسلم است، آن است که ما انسان‌ها با شنیدن یا دیدن چیزی نمی‌توانیم تمام قسمت‌ها و جوانب آن را به ذهن خود بسپاریم و بازگوکنندگان حدیث و خبر به فرض این که راستگو و بی‌غرض بوده باشند، هر یک از آنان برداشت و نظر خود را بیان کرده‌اند و معمولاً کمبود اطلاع و اشتباه و فراموشی موجب تغییری مؤثر در عبارات و مفاهیم حدیث و خبر می‌باشد و علاوه بر تغییر غیر عمد عبارات و مفاهیم بسیاری از روایات، چون در طول تاریخ حدیث، روایاتی نیز توسط افراد بی‌تقوا، جعل و تحریف گردیده و بسیاری از آن‌ها و خیلی از احادیثی که بغیر عمد تغییر یافته است به رسولان و اولیاء دین خدا استناد و نسبت داده شده و در اثر اغواگری‌ها، کم‌تقوائی، جعل و تغییر روایات و به سبب وجود رویاهای شیطانی که تأییدکننده عقاید باطلند، خیلی از آثار رسالت انبیاء خدا از میان رفته و ایمان و اعمال اکثر افراد خداپرست به شرک و خرافه پرستی گرائیده است.^{۱۶}

لذا می‌باید بیش از پیش به قرآن اهمیت و بها بدهیم و با مطالعه دقیق و مداوم آن^{۱۷}، به زبان و مفاهیم این کتاب عظیم آشنا و مأنوس شویم^{۱۸} و در مقام تفسیر هر آیه آن، بدون پیش‌داوری و حبّ و بغض، ضمن در نظر داشتن اهداف کلی نزول قرآن به توضیحات و اشاراتی که در سایر آیه‌ها در رابطه با موضوع آن آیه وجود دارد توجه کنیم و با استفاده از اطلاعات موجود در سایر آیه‌های قرآن و با جمع‌بندی کلیّه

آیه‌های مربوط به موضوع آیه مورد نظر، تفسیر آن آیه را مشخص نمائیم و نه تنها نظر خود یا بعضی روایات مورد نظر خود را به قرآن تحمیل نکنیم، بلکه به وسیله قرآن اعتبار و ارزش روایت‌ها را بسنجیم و روایاتی که با آیات محکم قرآن هم‌خوانی و هماهنگی ندارند به کنار بگذاریم و بیشترین جهاد و تلاش ما بر آن باشد که با افزایش دانش و بهره‌گیری هرچه بهتر از خرد خویش^{۱۹}، همه اعتقادات و اعمال خود را قرآنی نمائیم، تا به پیروی از پیامبران و ائمه هدی^(ع) با متابعت از کتاب هدایت خداوند مهربان در دنیا و آخرت سعادت‌مند و رستگار باشیم^{۲۰}.

نمونه آیات مورد استناد:

۱/۱- قرآن از هر حدیثی بهتر است

آیه ۲۳ سوره زمر: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ ...» خدا قرآن را که بهترین حدیث است نازل کرد (تا هر که بخواهد هدایت شود به وسیله آن او را هدایت نماید) ...»

۱/۲- قرآن کتاب هدایت خداوند است:

آیه ۹ سوره اسراء: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ ...» این قرآن به

درستی و به آنچه راست تر و پایدارتر است هدایت می نماید (بخصوص افراد باتقوایی را که در راه تشخیص حق و عمل به آن مقاوم باشند) ...».

۱/۳- قرآن نور است:

آیه ۱۷۴ سوره نساء: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا- ای مردم (برای هدایت شما) از جانب پروردگارتان حجت حق (و دلیلی آشکار) آمد و به سوی شما نوری تابان نازل کرده ایم».

۱/۴- قرآن قانونی کامل برای دینی آسان و نعمتی تمام برای تابعین آن است:

آیه ۳ و ۱۰۱ تا ۱۰۳ سوره مائده: «... أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ... - (قانون) دین شما را به حد کمال رساندم و نعمت خود را بر شما تمام کردم... (۳) ... لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ أَنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنْزَلُ الْقُرْآنُ أَنْ تُبَدِّلَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا ... - نپرسید از چیزهایی که اگر آشکار شوند موجب (سخت شدن دین و سبب) ناراحتی شما می شود...» و...

۱/۵- قرآن فرقان و جداکننده حق از باطل است:

آیه ۱ سوره فرقان: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا - خجسته و پربرکت است آن که فرقان (جداکننده حق از باطل) را بر

بنده اش نازل کرد تا برای جهانیان هشداردهنده باشد».

۱/۶- قرآن میزان سنجش حق و باطل است:

آیه ۱۷ شورا: «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ...» - خدا کسی است که کتاب را به حق و میزان نازل کرد...».

۱/۷- قرآن رحمت و بیان کننده همه حقایق مورد نیاز برای هدایت و رستگاری است:

آیه ۸۹ سوره نحل: «... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» - و ما کتاب را که تبیین کننده هر چیز و هدایت و رحمت و بشارت برای تسلیم شدگان (به حق) است بر تو نازل کردیم».

۱/۸- حضرت محمد(ص) رسول خداوند برای همه مردم است:

آیه ۲۸ سبا: «...وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...» - و ما تو را به پیامبری نفرستادیم مگر برای همه مردم، مژده دهنده و بیم رسان...».

۱/۹- حضرت محمد(ص) ابلاغ کننده، مبین و معلّم قرآن و واجب الطاعه بوده است:

آیه ۵۴ نور: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ... وَإِنْ تَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَمَا

عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ... واگر او را اطاعت کنید هدایت می‌شوید و بر پیغمبر چیزی جز ابلاغ آشکار نمی‌باشد» و آیه ۴۴ نحل: «...أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ - قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم تبیین کنی...» و...

۱/۱۰- حضرت محمد(ص) امام و رحمت برای جهانیان است:
آیه ۸۰ نساء: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ...» - کسی که رسول خدا را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است...» و آیه ۱۰۷ سوره انبیاء: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ - ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم».

۱/۱۱- حضرت محمد(ص) مکلف به متابعت از قرآن بوده است:
آیه ۲ سوره احزاب: «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...» - و آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن...».

۱/۱۲- حضرت محمد(ص) طبق احکام قرآن قضاوت و رفتار می‌نموده است:

آیه ۴۹ سوره مائده: «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ...» - و میانشان بر وفق آنچه

خدا نازل کرده است حکم کن و از هوس‌هایشان پیروی مکن و از ایشان برحذر باش که مبدا بفریبندت تا از بعضی از چیزهایی که خدا بر تو نازل کرده غفلت نمائی...».

۱/۱۳- رسول خداوند امام و سرمشقی نیکو است:

آیه ۲۱ سوره احزاب: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا...» برای کسانی از شما که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را زیاد یاد می‌کنند رسول خدا، امام والگوئی نیکو می‌باشد.».

۱/۱۴- همه ما باید قرآن را وسیله اتحاد خود با یکدیگر قرار بدهیم:

آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» - همگی به ریسمان خدا (قرآن) چنگ بزنید و متفرق نشوید...».

۱/۱۵- حضرت محمد(ص) و مسلمانان (و سایر انسانها) به تمسک به قرآن و اجرای دستورات آن موظف گردیده‌اند:

آیه‌های ۴۳ و ۴۴ سوره زخرف: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ اِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - (ای محمد) پس به آنچه به تو وحی شده چنگ بزن (دراین

صورت) تویر راه راست هستی (۴۳) **وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ** - و به درستی که این (قرآن) قانون تو و قانون قوم توست و به زودی (در مورد نحوه عمل به آن) مورد سؤال قرار خواهید گرفت (۴۴)».

۱/۱۶- در اثر اغواگریها، جعل و تغییر برخی روایات و وجود بعضی رویاهای شیطانی، خیلی از آثار رسالت انبیاء خدا از میان رفته و ایمان و اعمال اکثر افراد خداپرست به شرک و خرافه پرستی گرائیده است، نمونه آیات مبین این موضوع:

آیه های ۱۱۶ و ۱۱۷ سوره مائده: **«وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي آلِهَتَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ أَنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ - و هنگامی که (در روز قیامت) خداوند گفت: ای عیسی پسر مریم، آیا تو برای مردم گفته ای که مرا و مادرم را از دون خدا پرستش نمایند؟! (حضرت مسیح در بیان واقعیت خواهد) گفت پاک و منزهی از هرگونه شریک، شایسته و سزاوار من نیست که سخنی بگویم که حَقِّ نباشد، اگر چنین ناحقّی را گفته بودم تو خود می دانستی، تو به اسرار و ضمیر من آگاهی و من از آنچه در ذات تو است بی خبرم، به درستی که تو دانای غیب هائی (۱۱۶)**
مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ

فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ - تنها چیزی که من برای آنان گفتم، همان بود که به من مأموریت دادی تا آنان را دعوت به عبادت تو نمایم و بگویم خداوند یگانه را که پروردگار من و پروردگار شماست پرستش کنید، و تا زمانی که در میانشان بودم گواه بر آنان بودم (وحتی الامکان نگذاشتم شرک‌ورزی و خرافه پرستی نمایند) و وقتی مرا برگرفته و میراندی (دیگر اطلاعی از آنان نداشتم) تو خود مراقب آنان بودی و تو بر هر چیز گواهی (۱۱۷)».

۱/۱۷- قرآن می‌باید بطور مداوم مورد مطالعه قرار گیرد:

آیه ۲۰ سوره مزمل: «...فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...» - پس هرچه میسر است قرآن بخوانید (با توجه به آیات ۲ و ۳ و ۴ و ۲۰ سوره مزمل و بعضی آیه‌های دیگر قرآن کریم، شاید بهتر باشد که حتی الامکان حدود ۶ ساعت از شبانه روز قرآن را به دقت مطالعه و در آن تدبّر و تفکر نمائیم)».

۱/۱۸- خداوند برای آشنایی و عمل به قرآن، فراگیری این کتاب عظیم را آسان نمود:

آیه ۱۷ سوره قمر: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ - ما قرآن را برای ذکر (یادآوری، حکمت آموزی و به‌عنوان وسیله هدایت و قانونی لازم‌الاجرا) آسان نمودیم، پس آیا پندگیرنده (و اجراکننده) ای هست؟ (که

حق آن را به جای آورده، از کم اعتنائی به آن اجتناب کرده و هدایت شونده باشد) و...

۱/۱۹- باید برای افزایش دانش قرآنی و بهره‌گیری هرچه بهتر از خرد خویش تلاش کنیم:

آیه ۱۱۴ طه: «... قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا - بگو پروردگارا به دانش من بیفزای» و آیه ۱۱ مجادله: «...يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ... - خدا درجات کسانی از شما که ایمان آوردند و آنانکه علم داده شدند را بالا می‌برد...» و آیه ۹ زمر: «...هَلْ يُسْتَوَى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیا کسانی که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابرند؟! تنها خردمندان پند می‌پذیرند» و آیه‌های ۷ و ۸ بینه: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِّ» - کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند بهترین آفریدگانند (۷) جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ - پاداش آنان نزد پروردگارشان بهشت‌های جاوید است که از زیر آن نهرها جاریست و تا ابد در آن متنعمند، هم خدا از آنان خشنود است و هم آنان از خدا خشنود می‌باشند، آن (مقام و موقعیت عالی در آخرت) برای کسی است که (در دنیا) از نافرمانی پروردگارش بیمناک بوده است (۸) و به موجب آیه

۲۸ فاطر، تنها بندگان دانای خدا از نافرمانی او و از این که افکار و یا کردارشان خلاف رضای خدا باشد بیمناک می باشند: «... اِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...». قابل توجه آنکه طبق آیاتی نظیر آیه ۱۰۵ سوره یوسف که می فرماید: «وَكَايْنٍ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»، اکثرا انسانها نه تنها برای شناخت قوانین طبیعت دقت نمی کنیم، چه بسیار است آیات شناخت خدا در آسمانها و زمین که از آنها روی می گردانیم.

۱/۲۰- با متابعت از کتاب هدایت خدا در دنیا و آخرت سعادت مند و رستگار باشیم:

آیه ۷۱ سوره انعام: «... قُلْ اِنْ هَدَىٰ اللّٰهُ فَاِنَّهُ هَادٍ وَّ اِنْ اَضَلَّ فَاِنَّهُ ضَالٌّ...»... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ - از جانب خداوند نور و کتاب آشکار بر شما نازل شده است (۱۵) يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - خداوند به وسیله آن هر کس را که در پی خشنودی اوست به راه های سلامت، آرامش، کمال و رستگاری هدایت می کند و طبق مشیت خود آنان را از ظلمت ها (ظلمت شرک، ستم،

دُرُوغ، نادرستی و...) خارج و به سوی نور (نور توحید، عدل، راستی، درستی و...) رهبری و ایشان را به راه راست هدایت می‌نماید.

امید است در اثر تبلیغ قرآن و عمل به دستورات آن در انجام تعهد خود نسبت به دین حق موفق شویم و همچون افراد مُرْتَد (الف)، یا کسانی که آیات خدا را کتمان می‌کنند (ب) مورد لعن خدا و ملائکه و مردمان نباشیم و یا از آنانی محسوب نشویم که به گناه بی‌اعتنائی به قرآن مشمول شکایت رسول خدا بوده‌اند (پ):

الف/۱- در رابطه با ارتداد: «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيْمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» چگونه خداوند جمعیتی را هدایت کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول آمدن نشانه‌های روشن کافر (مُرتَد) شدند، خداوند جمعیت ستمکاران را هدایت نمی‌کند (۸۶) *أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ* - کيفر این افراد مرتد آنست که خداوند و ملائکه و مردمان بر آنان لعن فرستند (و به ایشان بی‌اعتنائی نمایند) ۸۷ آل عمران و...

ب/۱- در خصوص مخفی نگهداشتن آیات: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» - کسانی را که آیات روشن و هدایت کننده‌ای را که نازل

نموده‌ایم پس از آن که در کتاب برای مردم بیانشان کردیم کتمان می‌کنند، خداوند لعنت (و از رحمت خود دورشان) می‌کند و لعنت کنندگان نیز آنان را (در ردیف افراد مرتد) لعنت می‌کنند (۱۵۹ بقره)».

با توجه به آیاتی نظیر آیه‌های ۱۷۴ و ۲۵۹ بقره، ۴۵ یونس، ۲۶ انعام، ۲۴ و ۴۲ انفال، ۴۶ غافر، ۴۹ توبه، ۹۷ نحل، ۳۰ و ۵۵ و ۱۶۹ و ۱۸۷ آل عمران، ۱۰ نساء، ۲۶ یس، ۵۰ و ۵۱ حج، اوایل واقعه، ۳۵ احقاف و ۹۹ تا اواخر مؤمنون، کسانی که با کتمان قرآن آنرا فدای دنیای خود می‌کنند همچون کسانی که اموال یتیمان را ظالمانه می‌خورند جز آتش دربطون خود نمی‌خورند «... مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ...» (۱۷۴ بقره)» و مانند آل فرعون و دیگر کافرانی که گوئی هم اکنون جهنم ناظر و محیط بر آنانست این کتمان کنندگان قرآن نیز با سایر تباه کرداران از اهل هلاکت می‌شوند و جهنم را جایگاه دائمی خود می‌کنند «... إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۴۹ توبه)»...، اما افراد مومنی که با تبلیغ قرآن و عمل به آن از اعمالی صالح برخوردارند مانند حضرت عیسی از رفعت و تقرّب یافتگان و همچون کشته شدگان در راه خدا اهل جنت و حیات طیبه می‌شوند و در جنت و جوار رحمت خدا متنعم و شاد خواهند شد «... فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً...» (۹۷ نحل)»...

[در رابطه با مسائلی نظیر آتش بودن بعضی اموال و منافع حرام و احاطه جهنم بر کافران و یا زنده و متنعم بودن کشته شدگان در راه خدا: با جمع‌بندی آیات قرآن کریم به نظر می‌رسد که ما از لحظه فوت خود تا واقعه

قیامت گذر زمان و چیزی را درک نمی‌کنیم لذا هنگام حشر درحالی‌که زندگی مجدد خود را ادامه زندگانی دنیا می‌دانیم خود را مواجه با اعمال ارتکابی و آثار آنها می‌بینیم و احساسمان این است که تا ساعتی قبل در دنیا زنده و مشغول بوده‌ایم: «وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ... روزی که محشورشان کند، گوئی درنگ نکردند جز ساعتی از روز... (۴۵ یونس). وَيَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ... در آن روز (که طبق آیاتی نظیر آیه ۳ واقعیه: «خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ» گروهی را پائین و گروهی را بالا می‌برد) هرکس هر چه کرده است می‌یابد... (۳۰ آل عمران) و...»

پ/۱- در مورد شکایت رسول خدا: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ اِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» پیامبر گفت: ای پروردگار من، قوم من از این قرآن دوری جستند (و آنطور که لازم است به آن اعتناء ندارند) ۳۰ فرقان»

...

۲- مقدمه:

قرآن باطل‌کننده اتهاماتی است که علیه اسلام مطرح می‌شود:

در جهت تبیین پاسخ قرآن به بعضی اتهامات از قبیل اتهام تجویز بعضی رفتارهای ظالمانه و مخالفت با پاره‌ای از حقوق بشر، در این جزوه به جرائمی که مجازات دنیائی آنها در قرآن مشخص شده و موارد تجویز جنگ و به آیاتی مربوط به حجاب، حقوق زن، تعدد زوجات، حقوق اقلیت‌ها و... اشاره گردیده است تا با تدبّر و تفکر در قرآن، ضمن توجه به مردود بودن اتهام‌های مذکور، در اصلاح قوانین و روش‌های خلاف قرآن بکوشیم و پیوسته در مسیر حق و در جهت رضای خدا قرار داشته و باعمل به قرآن از خوبان و رستگاران باشیم.

توضیح آنکه: ۱- در شریعت اسلام انسان‌ها در اعمال خود به ویژه در صدور دستور جنگ و در تعیین مجازات خطاکاران نباید از خداوند و رسول او پیشی بگیرند و مجازاتی سنگین‌تر از آنچه در قرآن کریم تصریح گردیده است برای افراد مجرم معین کنند: «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ... - از خدا و رسول او پیشی نگیرید (۱ حجرات) ... مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ - مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ

الظَّالِمُونَ - ... وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ - طبق کتاب هدایت خدا قضاوت و رفتار نمایند تا از کافران، ظالمان و فاسقان محسوب نگردید (۴۴ و ۴۵ و ۴۷ مائده)»...

۲- علیرغم آن که قرآن به اعدام مرتکبین غیر حرفه‌ای یا غیرمفسد بزه‌های زنا و لواط دستور نداده و مجازات خاصی نیز برای مرتکب شرب خمر مقرر نکرده است، بعضی افراد و جمعیت‌ها مجازات اعدام برای مرتکبین بزه‌های زنا و لواط و نیز مجازات ۸۰ ضربه شلاق برای مرتکب بزه شرب مُسکر، و بعضی مجازات‌های دیگر که قرآن مجید بر لزوم آن‌ها نیز تصریح نفرموده مانند اعدام برای سبّ النَّبی را بهانه‌ای جهت تخطئه دین مبین اسلام قرار داده‌اند و با بیان این که مجازات‌های مذکور غیر عادلانه، خشن و خلاف حقوق بشر می‌باشد حَقَّانیت قرآن را درانظار جهانیان مخدوش جلوه می‌دهند (موضوع قسمت‌هایی از مواد ۸۲ تا ۱۲۶ و مواد ۱۷۴ و ۵۱۳ قانون مجازات مصوب دهه ۱۳۷۰) درحالی که قرآن ضمن تأکید به تقویت تقوا، پیروان خود را به عدالت و میانه‌روی و اجتناب از سخت‌گیری‌های جبارانه امر فرموده و خواسته است مانند اقوامی همچون قوم عاد نباشیم که درآیه ۱۳۰ سوره شعرا با خطاب: «وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ» مورد سرزنش قرار گرفته‌اند، و تقوای الهی نیز اقتضا می‌کند که برای خودداری از ظلم، اگر ابهامی وجود دارد آنرا به نفع افراد متهم

تفسیر نمائیم و نیز تا جرم هر متهم با دلائل کافی و یقین آور به اثبات نرسیده است او را مجرم نخوانیم... البته قرآن تمام جرائمی را که در موقعیت‌های گوناگون وقوع می‌یابند نام نبرده، ولی با نشان دادن خط‌مشی کلی و مشخص نمودن نمونه‌هایی از جرائم و مجازات آنها، روش تشخیص جرم و نحوه تعیین مجازات عادلانه را ضمن دستورالعمل‌های لازم تبیین نموده است.

۳- جرائمی که مجازات دنیائی آنها در قرآن

مشخص شده است:

۱- زنا و لواط

۲- محاربه با خدا و رسول و افساد فی الارض و قتل عمد

۳- قذف یا رمی بهتان زنا

۴- سرقت

۵- ایراد صدمه عمدی به بدن دیگران

۶- قتل غیر عمد

۷- شکستن عهد و سوگند

۸- ظهار

۹- نشوز زوجه

۱۰- شکار حیوانات صحرائی در حال احرام

۱۱- شرک ورزی به خدا در داخل مسجد

۳/۱- کیفر قرآنی زنا و لواط:

طبق آیه ۲ سوره نور که می فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ

مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...» مجازات افراد زناکار

صد ضربه شلاق می‌باشد و عندالاقضاء، به ویژه اگر زانیه شوهردار باشد به تجویز آیاتی نظیر آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نساء: «وَالَّذِينَ يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاُسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَ اَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَاِنْ شَهِدُوا فَاَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا (۱۵) وَالَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنْكُمْ فَاذُوهُمَا فَاِنْ تَابَا وَاَصْلَحَا فَاَعْرِضُوا عَنْهُمَا اِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا (۱۶)». اضافه بر محکومیت به تحمل شلاق می‌توان هر یک از زانیه و زانی را مدتی در محل مناسبی زندانی نمود تا هم شاکی تسکین یابد و هم فرد مجرم با فراگیری مفاهیم قرآن تربیت و اصلاح شود، و مرتکبین لواط و بعضی دیگر از برقرارکنندگان روابط نامشروع نیز طبق آیات ۱۵ و ۱۶ فوق‌الذکر می‌باید مورد اذیت یا مجازات‌هایی از قبیل حبس، شلاق و تبعید قرار گیرند تا توبه نموده و اصلاح گردند. و در تکمیل کیفرهای مذکور به دلالت آیاتی مانند آیه ۱۹ سوره نساء که استرداد بعضی از آنچه به زوجه داده شده را ممنوع فرموده مگر هنگامی که مشارالیه مرتکب عملی ناشایست شود: «...وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ اَلَا اِنَّ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ...» همسر شخصی که مرتکب زنا یا لواط گردیده است می‌تواند خسارتی عادلانه از زوجه یا زوج خطاکار خویش دریافت نماید و اگر خواهان طلاق نیز باشد در صورتی که شخصاً به

زنا یا لواط آلودگی نداشته و پاک باشد با استناد به آیات ۳ و ۲۶ سوره نور که زناکار و ناپاک را فاقد شایستگی جهت همسری شخص پاک معرفی می‌نماید می‌تواند برای جدائی از همسر ناپاکش از تسهیلاتی ویژه استفاده و او را از زندگی خود خارج نماید: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ الْأَزْوَاجَ وَمُشْرِكٌ وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا الْأَزْوَاجُ أَوْ مُشْرِكَةٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» - مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرکه نکاح نکند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به نکاح خود درنیارود و این کار بر مؤمنین حرام است (۳) الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ... - زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک ... (۲۶) و ...

تبصره- به موجب آیه ۲۵ سوره نساء که می‌فرماید: «...فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّهُنَّ بَافَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفٌ مِّمَّا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ...» کیفر کنیزان شوهرداری که مرتکب زنا و دیگر روابط نامشروع می‌شوند نصف کیفر زنان آزاد شوهرداری می‌باشد که مرتکب آن جرائم می‌گردند.

تذکر: به بیان ماده ۸۲ قانون مجازات مصوب دهه ۱۳۷۰: «حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن (دارای همسر) و غیر محصن نیست: الف - زنا با محارم نسبی. ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است. ج - زنا با غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب

قتل زانی است. د- زنای به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه‌کننده است». و به بیان ماده ۸۳: «حد زنا در موارد زیر رجم است: الف - زنای مرد محصن ... ب - زنای زن محصنه با مرد بالغ ...» و به بیان ماده ۸۸: «حد زنای زن یا مردی که واجد شرایط احصان نباشند صد تازیانه است». و به بیان ماده ۹۰: «هرگاه زن یا مردی (که مجرد است و یا در وضعیت مجرد قرار دارد) چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد (تازیانه) بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود».

و بموجب ماده ۱۰۸: «لواط وطی انسان مذکر است چه بصورت دخول باشد یا تفخیز» و طبق ماده ۱۰۹: «فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد» و بموجب ماده ۱۱۰: «حد لواط در صورت دخول قتل است ...» و بموجب ماده ۱۱۱: «لواط در صورتی موجب قتل می‌شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند» و بموجب ماده ۱۱۲: «هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته می‌شود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود» و طبق ماده ۱۱۳: «هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد» و بموجب ماده ۱۲۱ و تبصره ذیل آن: «حد تفخیز و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هریک صد تازیانه است. و در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است» و بموجب

ماده ۱۲۲ قانون فوق الذکر: «اگر تفخیز و نظایر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حد جاری شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است.»

۳/۲- اعدام مجازاتی است برای محاربه با خدا و رسول و افساد فی الارض و قتل عمد:

به موجب آیاتی نظیر آیه‌های ۳۳ و ۳۴ سوره مائده: «اتَّجَارِزُوا الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳۳) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُوٌّ رَحِيمٌ (۳۴)» کسانی که با کارهای حرامی مانند قیام مسلحانه علیه قرآن و احکام آن مرتکب محاربه با خدا و رسول او شوند و برای ایجاد فساد در زمین تلاش نمایند، اگر قبل از آن که مورد تعقیب قرار گیرند توبه نکرده باشند، مجازات آنان یا اعدام یا آویخته شدن به صلیب یا قطع دست و پا و یا نفی بلد است و به موجب آیاتی نظیر آیه ۱۷۸ سوره بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ فِي الْقَتْلِ بِالْخِرْبِ وَالْحَرْوِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأَنْثَى فَمَنْ غَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءِ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

کسی که به طور عمد و به ناروا انسانی بی تقصیر را بکشد در صورت نبود جهتی برای تخفیف مجازات او، مجازاتش اعدام می باشد. اما مرتکب یکبار زنا یا لواط و حتی کسی که یک بار مرتکب بزه اهانت به نبی عالیقدر اسلام (ص) شده اگر تلاشی برای گسترش فساد در اجتماع به عمل نیاورده و یا علیه حکومت قرآن جنگ ننموده است به نظر نمی رسد که محارب و مفسد فی الارضی محسوب شود که به موجب آیات فوق الاشعار، اعدام وی امکان پذیر باشد و قانون گذار محترم ایران نیز با آن که اعدام را برای بزه های مذکور منظور داشته است در مقام تعریف بزه محاربه و افساد فی الارض، بزه های سبّ النَّبِی، لواط و زنا را از مصادیق محاربه و افساد فی الارض محسوب ننموده است.

۳/۲/۱- بزه محاربه و افساد فی الارض در قانون مجازات:

در ماده ۱۸۳ «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می باشد...» و در ماده ۱۸۵ «سارق مسلح و قطاع الطریق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را برهم بزند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است.» و در ماده ۱۸۶ «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام

که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش مؤثر دارند محاربند، اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند...» و در ماده ۱۸۷ «هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار امکانات مالی مؤثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض می‌باشند.» و در ماده ۱۸۸ «هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی مؤثر باشد، محارب و مفسد فی الارض است.»

۳/۲/۲- مصادیقی قرآنی از بزه محاربه و افساد فی الارض (توأم با بیان بعضی اهداف حجاب)

الف: باتوجه به آیاتی مانند آیه های ۵۷ الی ۶۲ سوره احزاب، اگر کسی بی‌اعتناء به بعضی آموزش‌های قرآن کریم، با تکرار کارهای مجرمانه‌ای از قبیل ایجاد مزاحمت برای بانوان با تقوا و نشر اکاذیبی که موجب بدنام شدن افراد خوب است سبب ناامنی یا فساد محیط و یا موجب آزار برخی مؤمنین به قرآن باشد و اقدامات پیش‌گیرانه و

مجازات‌های تأدیبی و بازدارنده نیز در مورد او مؤثر واقع نشود و به تکرار رفتار ظالمانه ادامه داده، زیان او برای جامعه قرآنی و بندگان صالح خدا با زیان مرتکب محاربه و افساد فی الارض برابری کند، چنین فرد مفسدی را دادگاه می‌تواند از محاربه کنندگان یا در حکم محاربه کننده با خدا و رسول به حساب آورد و برای سالم‌سازی محیط زندگی به مجازات اعدام محکوم نماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» (۵۷) «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَأَثْمًا مُبِينًا» (۵۸) «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهَا ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (۵۹) «لِنَّ كَمْ يَنْتَهِي الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» (۶۰) «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدًا وَقْتُلُوا وَاقْتُلُوا» (۶۱) «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (۶۲) - همانا کسانی که خدا و پیامبرش را می‌رنجانند خداوند آن‌ها را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور می‌سازد و برای آنان عذابی خوارکننده آماده کرده است (۵۷) و کسانی که مردان و زنان با ایمان را (به ناحق و) به خاطر کار بدی که نکرده‌اند آزار می‌دهند بهتان و گناه آشکاری را حمل می‌کنند (۵۸) ای پیامبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که از جلباب‌های خود (یا لباس‌های رویی که سر را پوشیده و نقاط هوس‌انگیز و

برجستگی‌های تحریک‌کننده بدن را پنهان می‌دارند) بر خویشتن بپوشانند این نزدیک‌تر است به این که (به داشتن ایمان و به پرهیزگاری) شناخته شوند (با پوشش و رفتار مناسب از تحریک شهوت و از برانگیخته شدن طمع مردم نسبت به خود جلوگیری کنند) تا مورد اذیت (دو رویان و بیمار دلان) واقع نشوند، و (از آنجا که) خداوند آمرزنده و مهربان است (علاوه بر استفاده از امنیت و مصونیتی که پوشش مورد نظر ایجاد می‌کند با رعایت تقوای خداوند هرچه بیشتر از بخشایش و رحمت او برخوردار شوند) (۵۹) اگر منافقین و بیمار دلان و مُرَجِفُون در مدینه (از اعمال ظالمانه‌ای که سبب رجفه یا تشنّج و نگرانی در بین مردم است) باز نایستند تو را بر آن‌ها می‌گماریم تا جز اندکی نزدیک در شهر باقی نمانند (۶۰) لعنت شدگان (که نفرت عمومی علیه ایشان است) هر کجا یافت شوند دستگیر (محاكمه) و کشته شوند، کشته شدنی عادلانه (۶۱) این سنّت خداوند است در آنان که از پیش گذشتند و هرگز در سنّت خدا دگرگونی نخواهی یافت (۶۲ سوره احزاب)».

ب: با توجه به آیاتی نظیر آیه‌های ۸۸ تا ۹۱ سوره نساء هر منافقی که به سبب دشمنی و مخالفت با قرآن مجید با مسلمانان جنگ نماید، هم‌چنین هر شخص فتنه جوئی که انسان‌ها را بدون مجوّز قرآنی مورد تعرّض و تعدّی قرار داده موجب سلب آزادی و امنیت آنان باشد، می‌توان به اتهام محاربه با خدا و رسول و ایجاد فساد در زمین محاکمه و به مجازات اعدام محکوم نمود: «فَمَالَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنِينَ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ

بِمَا كَسَبُوا اُتَرِيدُونَ اَنْ تَهْدُوْا مَنْ اَضَلَّ اللّٰهُ وَمَنْ يُّضِلِّ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيْلًا (۸۸) وَ
 ذُوْلُوْكُمْ كُفْرُوْنَ كَمَا كَفَرُوْا فَاتَّكُوْنُوْنَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ اَوْلِيَاءَ حَتّٰى يُهَاجِرُوْا
 فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاْخِذُوْهُمْ وَاَقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوْهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوْا مِنْهُمْ وَا
 لِيَا وَلَا نَصِيْرًا (۸۹) اِلَّا الَّذِيْنَ يَصِلُوْنَ اِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ اَوْ جَاؤُكُمْ حَضِرَتْ
 صُدُوْرُهُمْ اَنْ يُقَاتِلُوْكُمْ اَوْ يُقَاتِلُوْا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَسَلَطْنَاهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوْكُمْ
 فَاِنْ اَعْتَزَلُوْكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوْكُمْ وَالْقَوَا اِلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيْلًا (۹۰)

چرا در مورد منافقان دو گروه شده اید و حال آن که خدا آنان را به سبب
 کردارشان مردود ساخته است، آیا می خواهید کسی را که خدا (به طور
 ضابطه مند) گمراه کرده است هدایت کنید؟ و هر که را (که نخواهد با قرآن
 هدایت شود و او را) خدا گمراه نماید هرگز راهی برای (هدایت) او نخواهی
 یافت (۸۸) دوست دارند همچنان که خود به راه کفر می روند شما نیز کفر
 ورزیده همانند آنان باشید، پس با آنان دوستی نکنید تا در راه خدا هجرت
 نمایند پس اگر (در جهت کمک به نیروهای کفار و مشرکین حربی، به اسلام)
 پشت کردند (علاوه بر آن که باید) از آنها یار و یاور اختیار نکنید، می باید هر
 کجا آنان را یافتید دستگیر (محاكمه) و به قتل برسانید (۸۹) به جز آنان که به
 قومی می پیوندند که میان شما و آن قوم پیمان وجود دارد، یا در حالی که از
 جنگیدن با قوم خود دلتنگ شده باشند نزد شما بیایند، و اگر خدا می خواست
 آنان را بر شما تسلط می داد تا با شما جنگ کنند، پس اگر از تعرض به شما

خودداری کردند و با شما نجنگیدند و به شما پیشنهاد صلح کردند، در این حالت خدا راهی برای تعرض به آنان برای شما قرار نداده است (۹۰) سَجِدُونَ^۱ اَخْرَيْنَ يَرِيدُونَ اَنْ يَّامُنُوْكُمْ وَيَاْمُنُوْا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَّارِدٌ وَّ اِلَى الْفِتْنَةِ اُرْكِسُوا فِيهَا فَانْ لَّمْ يَعْتَزِلُوْكُمْ وَيُلْقُوا اِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُوْا اَيْدِيَهُمْ فَخُذُوْهُمْ وَاَقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوْهُمْ... - به زودی گروهی دیگر را خواهید یافت که می خواهند از شما و از قوم خود در امان باشند ولی هرگاه به فتنه ای خوانده شوند در آن سرنگون می شوند (وسعی خود را برای ایجاد فساد به کار می برند) پس اگر از ایجاد فتنه و فساد علیه شما خودداری نکردند و به شما پیشنهاد صلح و سازش ندادند و از تجاوزات ظالمانه باز نایستادند، ایشان را هرکجا یافتید دستگیر (محاکمه) و به قتل برسانید... (۹۱ نساء).

۳/۳ هشتاد ضربه شلاق: کیفر قذف - یارمی بهتان زنا:

خداوند متعال در آیات ۴ و ۵ سوره نور با بیان: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَا يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ - اِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَاصْلَحُوا فَانَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ» برای کیفر افراد بی تقوایی که زنان عفيف را به زنا متهم می کنند و در اثبات ادعای خود چهار شاهد معرفی نمی نمایند، هشتاد ضربه شلاق مقرر فرموده است، تا اگر بعد از بهتانی که زده اند

توبه نکرده، با جبران گناه خویش به صلاح درنیامده باشند ضمن محرومیت از قبول شهادت، مجازات مذکور را تحمل نمایند.

شایان ذکر آن که قانونگذار محترم طی مواد ۱۳۹ تا ۱۶۴ قانون مجازات، در ماده ۱۳۹ نسبت دادن زنا یا لواط به اشخاص را قذف نامیده است و در ماده ۱۴۰ و دو تبصره آن بیان داشته: «حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است. تبصره ۱- اجرای حد قذف منوط به مطالبه مقذوف است. تبصره ۲- هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط، مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد.» و در ماده ۱۴۵ بیان نموده است: «هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه می شود.» و در ماده ۱۴۶ بیان کرده: «قذف در مواردی موجب حد می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد...» و در ماده ۱۵۷ قانون مذکور بیان داشته است: «هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بارحد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود.»

۳/۴- قطع دست: کیفر سارق

سوره مائده، آیات کریمه ۳۸ و ۳۹: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا

أَيْدِيَهُمَا جِزَاءٌ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۳۸) فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۹) دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر گناهی که کرده‌اند ببرید، این عقوبتی است از جانب خدا، خدا قدرتمند و حکیم است (۳۸) پس کسی که بعد از ظلمش توبه کند و با جبران گناه خود به صلاح درآید خدا او را خواهد بخشید، خدا آمرزنده و مهربان است».

کیفر سارقی که بعد از ربودن اموال دیگران پشیمان نمی‌شود و نمی‌خواهد ظلم خویش را جبران کند آنست که دست او بریده شود. و اگر سارق به سبب نحوه سرقت یا به علت تکرار جرم محارب و مفسد فی الارض محسوب شود در آن صورت به مجازات محارب و مفسد فی الارض محکوم می‌گردد^۱.

البته باید توجه داشت که خداوند اگر در یک آیه به بریدن دست سارق دستور داده است در آیات متعدّد به انفاق^۲، پرداخت زکاة^۳، دادن صدقه^۴ و قرض الحسنه^۵ امر فرموده و با قرار دادن ثروت‌های عمومی و بیت‌المال اعم از انفال^۶، و بسیاری از وجوهاتی نظیر خمس^۷ و زکاة در اختیار رسول خود، و بعد از رسول (ص) با قرار دادن آن‌ها در اختیار حکومت‌های مؤمن عادل^۸ مردمی^۹، خواسته است به امامت قرآن^{۱۰} و در جهت اجرای عدالت^{۱۱} و تأمین امنیت و

رفاه عمومی^{۱۲}، ضمن به کیفر رساندن شخص مجرم، برای تقلیل بیکاری، فقر مالی، جهل وضعف ایمان و تقوا^{۱۳} تلاش و سرمایه گذاری کنیم و رفع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و آموزش و پرورش را از اهم اهداف خود قرار داده و در مسیری باشیم که از نظر رشد معنوی و مادی سرآمد امت ها گردیم^{۱۴}.

۳/۴/۱ - نمونه هایی از آیات مورد استناد در رابطه با مبحث سرقت:

۳/۴/۱/۱ - اگر سارق به سبب نحوه سرقت یا به علت تکرار جرم محارب و مفسد فی الارض محسوب شود، در آن صورت می توان او را به استناد آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مائده به مجازات محارب و مفسد فی الارض محکوم نمود:

«إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳۳ مائده) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ - کیفر کسانی که با خدا و رسولش می جنگند و

سعی‌شان آنست که در زمین فساد کنند آنست که کشته شوند یا به صلیب کشیده شوند یا یک دست و یک پای آنان از خلاف یکدیگر قطع شود یا از زمین رانده شوند، این برای ایشان خواری‌ایست در دنیا و ایشان را در آخرت عذابی عظیم است (۳۳) مگر آنان که پیش از دست‌یابی برایشان توبه کنند، پس بدانید خداوند آمرزنده و مهربان است (۳۴ مائده)».

۳/۴/۱/۲- بعضی حقایق و راهکارهای مهم و ضرورت انفاق:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا تَبِيعُ فِيهِ وَلَا تَخَلُّوْا وَلَا شَفَاعَةُ... - ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید پیش از آن که روزی فرا رسد که نه خرید و فروش در آن است و نه رابطه دوستی و نه شفاعت... (۲۵۴ بقره) - وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ - (از مؤمنین اهل توکل به خدا و آنان که نزد خداوند پاداشی نیکو و باقی ماندنی خواهند داشت) آنانند که به پروردگار خویش پاسخ مثبت داده‌اند و نماز را برپا می‌دارند و امر آنها (بویژه در اداره کشور) به طریق شورا (و مشارکت و مشورت با یکدیگر) صورت می‌گیرد و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌نمایند (۳۸ شورا)».

۳/۴/۱/۳- لزوم پرداخت زکات و توجه به اینکه نحوه پرداخت زکات (اعم از مالیات حکومت اسلامی و کمک به افراد جامعه) نشان‌دهنده میزان ایمان پرداخت‌کننده آن است: «...وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» - خدا یاری می‌کند کسی را که (با متابعت از حق و دفاع از عدالت، بطور مالی یا جانی در اجرای قوانین واقعی شرع) او را یاری نماید، خدا توانا و عزتمند است (۴۰ حج) الَّذِينَ أَنْزَلْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ... - کسانی که اگر آنان را در زمین مکتب دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و امر به خوبی و نهی از بدی می‌کنند... (۴۱ حج) - إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و آنان که ایمان آوردند، آنان که برپا می‌دارند نماز را و می‌پردازند زکات را و ایشان رکوع‌کنندگانند (۵۵ مائده).

طبق آیاتی نظیر آیه ۵۵ فوق‌الذکر، از نشانه‌های مومن اصیل آنست که نه تنها زکات خود را بموقع و کامل پرداخت می‌کند، زکات وی هر مقدار زیاد هم باشد آنرا در مقابل احسان و نعمتهای خدا اندک می‌بیند و مانند بدهکاری شرمنده، با طیب خاطر و متواضعانه بحالت خمیده

زکات می دهد.

۳/۴/۱/۴- در رابطه با پرداخت صدقه:

«لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ...»

- در بسیاری از نجواها خیری نیست، مگر برای کسی که به صدقه دادن یا نیکی کردن و یا اصلاح نمودن بین مردم توصیه نماید... (۱۱۴ نساء) و ...

۳/۴/۱/۵- در خصوص قرض الحسنه:

«مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً...» کیست به

خدا قرض الحسنه دهد تا خدا آن را برایش چندین برابر کند... (۲۴۵ بقره) - ...
وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا... - و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و وام دهید خدا را وامی نیکو... (۲۰ مزل) و...

۳/۴/۱/۶- در مورد انفال :

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ...» ای رسول از تو راجع

به انفال (یا اموال اضافی که فاقد مالک خصوصی می باشد) سؤال می کنند، بگو انفال برای خدا و رسول است (۱ سوره انفال) مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا أَتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَنْهَاكُمْ عَنْهُ فَأَنْتَهُوا... -

خداوند آنچه را از انفال به رسولش از اهل آبادی‌ها ارزانی داشت از برای خدا و رسول و نزدیکان و یتیمان و درماندگان و راه‌گذران است تا (با مصرف آن‌ها در کارهای اساسی و بین نیازمندان جامعه) میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد... (۷ حشر).

۳/۴/۱/۷- آیه مربوط به خمس و موارد مصرف آن :

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ...» و بدانید آنچه غنیمت بدست آورده‌اید خمس آن (مانند انفال) از برای خدا و رسول و نزدیکان و یتیمان و درماندگان و راه‌گذران است... (۴۱ انفال).

تبصره (درخصوص خمس): باتوجه به وضعیت موجود و اینکه سازمان‌های مسئول ساماندهی ایتام و محرومین کشور برای انجام مسئولیت‌های خود فاقد امکانات کافی می‌باشند و در اکثر شهرستان‌ها برای نگهداری مجانین، مجرمین غیرمسئول، ایتام و سایر محجورین بی‌سرپرست و اطفال و زنانی که به علت اختلافات خانوادگی و طلاق ولگرد و خیابانی شده‌اند مکانی وجود ندارد و کم توجهی به مسئله نگهداری، آموزش و اشتغال محجورین و محرومین سبب افزایش جرائم، مفاسد و ناامنی جامعه است، در صورتی‌که مراجع قانونی

مسئول، نظیر سازمان بهزیستی و کمیته امداد، با موافقت و نظارت مسئولین رده بالای کشور، ضمن تبلیغ اهداف، برنامه‌ها و عملکرد خویش، افراد ملت را تشویق به انجام حکم منعکسه در آیه کریمه ۴۱ سوره انفال و واریز خمس شرعی به حساب بانکی آن سازمان‌ها نموده، با تهیه املاک، آموزشگاه‌ها و کارگاه‌های مجهز و کافی در مناطق مختلف کشور، وجوه دریافتی را جهت نگهداری- آموزش- اشتغال و تأمین آتیه محجورین و محرومین هزینه و سرمایه‌گذاری کنند علاوه بر آنکه در رفع مشکلات موجود و در مبارزه با مفاسد و پیشگیری از جرائم مؤثر می‌باشد، برای امنیت، رفاه و تعالی مردم و سربلندی قرآن و تحکیم نظام اسلامی سودمند خواهد بود.

۳/۴/۱/۸- وجوب عدالت‌ورزی حاکمان براساس آموزشهای

قرآن:

«...قُلْ ءَامَنْتُ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتَابٍ وَّ اُمِرْتُ لِاَعْدِلَ بَيْنَكُمْ...» - بگو ایمان

آوردم بدانچه فرستاد خدا از کتاب و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم...

(۱۵ شوری) « و...»

۳/۴/۱/۹- وجوب اطاعت از سرپرستان امور، در حدود وظیفه و مسئولیت آنان - باید تا جائی که برخلاف آموزشهای قرآن و سنت رسول خدا نباشد از مسئولینی که در مصدر کارها قرار داده‌ایم اطاعت نمائیم تا همه امور ما بخوبی انجام پذیرد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید رسول را و اولیاء امر از خودتان را و اگر در چیزی اختلاف کردید آن را به (قرآن) خدا و (سنت قرآنی) رسول ارجاع دهید... (۵۹ نساء) و...

۳/۴/۱/۱۰- باید به امامت قرآن برای اصلاح امور فردی و اجتماعی تلاش کرد:

«اتَّبِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ...» - از آنچه از طرف پروردگارتان بر شما نازل شده است پیروی کنید و غیر از آن را پیروی نکنید... (۳ اعراف) - وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ... - و این کتابی است پر برکت و سرچشمه خیرات و نیکی‌ها، پس از آن پیروی کنید... (۱۵۵ انعام) -

إِنَّا تَبِعَ الْآمَإِیُوحَیَ إِلَى... - (مَنْ رَسُولَ هَمْ) از چیزی جز آنچه به مَنْ وَحی کرده شد پیروی نمی‌کنم... (۵۰ انعام) ... مِنْ قَبْلِهِ کِتَابُ مُوسَى اِمَامًا وَرَحْمَةً... - از پیش از قرآن کتاب موسی امام و رحمت بود ... (۱۲ احقاف و ۱۷ هود)».

۳/۴/۱/۱۱- می‌باید عدالت را در کلیه زمینه‌ها برقرار نماییم تا انگیزه‌ای قابل توجیه برای ارتکاب جرایمی نظیر سرقت باقی نماند:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» - همانا فرستادیم رسولانمان را با دلائل روشن و نازل کردیم با آنان کتاب و میزان را تا مردم به عدالت قیام کنند... (۲۵ حدید) و ...

۳/۴/۱/۱۲- خداوند برای بندگان خود امنیت و رفاه را می‌پسندد:

«...يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...» - خداوند راحتی شما را می‌خواهد و ناراحتی شما را نمی‌خواهد ... (۱۸۵ بقره) -... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ... - خداوند نمی‌خواهد شما را در تنگنا قرار دهد (۶ مانده) وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن

كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ - اگر اهل قریه‌ها ایمان آورده و از نافرمانی پرهیز کرده بودند هرآینه گشاده بودیم بر ایشان برکت‌ها از آسمان و زمین، ولكن تكذيب کردند پس گرفتیم ایشان را به آنچه کسب می‌کردند (۹۶ اعراف) و ...

۳/۴/۱/۱۳ - هرچه تقوای مؤمنین به قرآن افزایش یابد، تدبّر و دقت آنان در این کتاب الهی بیشتر می‌شود و در نتیجه بد و خوب را بهتر تشخیص می‌دهند و ضمن دوری بیشتر از ارتکاب جرائم، سعی ایشان برای اصلاح خود و امور جامعه افزایش می‌یابد :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر تقوای خدا را داشته (از نافرمانی او بیمناک بوده و بخواهید طبق نظر خدا خوب) باشید برای شما (قرآن را) وسیله تشخیص حق و باطل قرار می‌دهد و (به این وسیله) بدی‌هایتان را می‌زداید... (۲۹ انفال) و ...

(امید است با مطالعه دقیق قرآن و تفکّر در پدیده‌های جهان قلب‌هایمان در برابر عظمت خدا نرم و خاشع شود و از بیم آن که مبادا موجب ناخشنودی خدا، یا مستوجب عذاب ناشی از نافرمانی او شویم،

قرآن را مرجع و امام خود قرار دهیم و در اثر آشنایی با مفاهیم و ضوابط آن، خیر و شر، و حق و باطل را به درستی تشخیص داده و در اجتناب از عقاید، گفتار و اعمال خلاف حق موفق باشیم).

۱۴/۱/۴۳- مسلمانان باید از لحاظ رشد، سرآمد امتها باشند:

«...إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ» - به سبب آن که دشمنان شما نسبت به حق کافر و مردمانی ناشکیبا و کم فهمند، اگر از شما بیست نفر با استقامت باشند بر دویست نفر آنان غلبه می کنند و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر ایشان غلبه خواهند کرد (۶۵ انفال) و ...

ما مسلمانان می باید با فهم قرآن و عمل به آن، ازبهترین تدبیرکنندگان امور «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (۵ نازعات) و از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی الگوی رشد و پیشرفت سایر ملت ها و به عنوان بهترین امت «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ...» - (۱۱۰ آل عمران) شاهد و معرف حقانیت قرآن نزد جهانیان بوده «...تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...» (۷۸ حج) از نظر دفاعی آنچنان قوی و مجهز باشیم که دشمن جرأت تجاوز به حقوق ما را نداشته باشد «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ ...» (۶۰ انفال).

۳/۴/۲ - بزه سرقت در قانون مجازات ایران:

بزه سرقت از جرایم عمدیست و یکی از ارکان تشکیل دهنده آن سوءنیت مجرمانه می‌باشد. قانون مجازات ایران در باب هشتم کتاب حدود شامل مواد ۱۹۷ تا ۲۰۳، در تعریف سرقت بیان داشته: «سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی» و در مواد ۱۹۸ و ۲۰۰ در صورتی حکم قطع ید یا حد را قابل صدور می‌داند که سارق: بالغ، عاقل، مختار، قاصد و غیر مضطر باشد و بداند که مال غیر را به ناحق و به عنوان دزدی می‌رباید و مال نیز در حرز مناسبی نگهداری شده باشد و محل نگهداری آن هم از سارق غصب نشده باشد و نیز ارزش مال مسروقه در هر بار سرقت کمتر از ۴/۵ نخود طلای مسکوک نباشد همچنین مال متعلق به فرزند سارق و یا از اموال دولتی و وقف و مانند آن که مالک شخصی ندارد نباشد و سرقت در سال قحطی هم صورت نگرفته یا سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر نشده و نیز سارق پس از سرقت مال را تحت ید مالک قرار نداده باشد و علاوه بر کلیه شرایط مذکور صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کرده و قبل از شکایت هم نه مال را به سارق بخشیده و نه سارق را بخشیده باشد و مال مسروقه نیز قبل از ثبوت جرم از راه خرید و مانند آن به

ملک سارق در نیامده و یا سارق قبل از ثبوت سرقت توبه نکرده باشد. توضیح آن که قانونگذار محترم در ماده ۲۰۱، حد سرقت را در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن، و در مرتبه دوم قطع نصف کف پای چپ و در مرتبه سوم حبس ابد، و در مرتبه چهارم اعدام می‌داند. و در ماده ۲۰۳ سرقتی را که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب یک تا پنج سال حبس دانسته است. و در فصل بیست و یکم کتاب تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده شامل مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ برای بسیاری از اقسام سرقت مجازات حبس و شلاق تعیین نموده است.

۳/۵- قصاص عضو: کیفر کسی که عمداً و به ناحق به

بدن دیگران صدمه می‌زند

باتوجه به آیاتی نظیر آیه ۴۵ سوره مائده: «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» - مقرر کردیم برایشان در تورات، که انسان در برابر انسان است و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر

دندان و در جراحات‌ها قصاص است. پس کسی که تصدق کند به آن، پس آن زداينده گناه اوست و کسانی که به آنچه خداوند نازل کرده است حکم نکنند هم آنان ظالم می‌باشند» و آیه ۱۲۶ سوره نحل: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ - اگر خواستید مجازات کنید فقط به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید. ولی اگر شکیبایی پیشه کنید این کار برای شکیبایان به‌تر است» و آیه ۴۰ سوره شوری: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ - و جزای بدی کیفری همانند آنست پس آن که عفو کرد و اصلاح نمود پاداش او به عهده خداوند است، خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد» و آیه ۱۷۹ سوره بقره: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ - ای خردمندان، برای شما در قصاص زندگانی است تا شاید (دراثر اجرای قانون قصاص از ایراد صدمه به یکدیگر و از بی‌عدالتی در کیفر مجرم و از ناامن کردن محیط زندگی...) پرهیز نمایید.» و با توجه به آیه ۱۳ شوری: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ... - قرار داد برای شما از دین، آنچه نوح را به آن توصیه کرد و آنچه بر تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی وصیت کردیم...». چنین استنباط می‌شود که در دین خداوند متعال از زمان‌های قبل از نزول قرآن کریم و شاید از زمان شروع زندگی انسان‌ها در زمین، کیفر عادلانه قصاص

که مجازاتی کاملاً برابر و متناسب با جرم مجرم است، علاوه بر مورد قتل عمد، در موارد ایراد صدمه عمدی به اعضاء بدن انسان قابل اعمال بوده و در صورتی که شاکی حاضر به سازش نبوده، یا موردی برای تخفیف مجازات وجود نداشته، به عنوان بهترین نوع کیفر، به اجرای دقیق آن توصیه گردیده است. (موضوع قسمت‌هایی از مواد ۲۶۹ تا ۲۹۳ قانون مجازات).

۳/۶- کیفر قتل غیر عمد: پرداخت دیه و آزاد نمودن بندهای مؤمن...

طبق آیاتی نظیر آیه ۹۲ سوره نساء: «مَا كَانَ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا لَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَّكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ قَدِيَّةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» - هیچ مؤمنی شخص مؤمن را نمی‌کشد مگر به خطا و هر کس به خطا مؤمنی را به قتل برساند باید بندهای مؤمن را آزاد نماید و خون بهای مقتول را نیز به اهلش بپردازد مگر آن که خون بها را ببخشند و اگر مقتول فردی مؤمن بود ولی قوم او دشمن شما باشند باید بندهای مومن آزاد گردد (همانطور که این دشمنان از پرداخت

خون بها به مسلمانان خودداری می‌کنند از پرداخت خون بها به آنان خودداری شود... فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ مِثْلَ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ... آیه ۱۹۴ سوره بقره) و اگر مقتول از قومی است که بین شما و ایشان پیمان وجود دارد (طبق پیمان و تعهدات متقابل یا عرف عادلانه‌ای که پذیرفته و معمول می‌باشد یا همانند اقدام آنان در موارد مشابه) خون بها را به خانواده مقتول پرداخت کنید و بنده مؤمنی را نیز آزاد نمایید و هرکس بنده مؤمن نیابد دو ماه پی در پی روزه بگیرد (و اگر از گرفتن روزه نیز معذور باشد حداقل، شصت نفر مسکین را خوراک دهد... فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَاطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا... آیه ۴ سوره مجادله) توبه‌ای از خدا و خدا دانا و حکیم است.»

۳/۶/۱- در رابطه با حقوق میهمانان و اقلیت‌های کشور:

قانونگذار محترم در ماده ۲۹۷ قانون مجازات با بیان اینکه: «دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ...» و در تبصره دوم الحاقی به این ماده با بیان: «براساس نظر حکومتی ولی امر، دیه اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اندازه دیه مسلمان تعیین می‌گردد.» و در ماده ۳۰۰ قانون مذکور با بیان اینکه: «دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است...» برای هموطنان و میهمانانی که مسلمان، زرتشتی، کلیمی و مسیحی گفته نمی‌شوند دیه معلوم

نموده، همچنین در ماده ۲۰۷ با بیان: «هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود...» و در ماده ۲۱۰ با بیان: «هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می‌شود...» در مواردی که مسلمان مرتکب قتل عمد غیرمسلمان گردد مجازات او را معین نکرده است... لذا صرفنظر از سردر گمی و دغدغه خاطر قضاتی که به شکایت اقلیت‌های کشور و اتباع خارج رسیدگی می‌کنند، اتخاذ تصمیم قضایی برخلاف میثاق‌های ملی و بین‌المللی و حقوق پذیرفته شده سیاسی و مدنی موجب نارضایتی و بدبینی طیف وسیعی از ملت ایران و نیز بهانه‌ای مؤثر برای تبلیغ علیه اسلام در جامعه جهانی می‌باشد.

در صورت توجه به آیاتی از قرآن کریم که هدف از فرستادن رسولان و ارسال کتاب‌های الهی را اقامه عدل بیان می‌فرمایند، نظیر آیه ۲۵ سوره حدید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ..» - همانا پیغمبران خویش را با دلایل و کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به عدالت قیام نمایند...» و باعنایت به اینکه نمی‌باید آیه‌ای از آیات قرآن کریم به گونه‌ای تفسیر شود که برخلاف هدف نزول آن دارای نتیجه‌ای غیرعادلانه باشد. و با توجه به آیه‌هایی نظیر آیه ۸ سوره ممتحنه که رفتار عادلانه توأم با نیکی را در مورد کافرانی که به خاطر دین با مسلمانان جنگ نموده‌اند تجویز فرموده است،

همچنین با توجه به بعضی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظیر اصل چهاردهم که بیان داشته: «به حکم آیه شریفه: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» - دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.»

و اصل نوزدهم با بیان: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها امتیاز نخواهد بود.» و اصل بیستم با بیان: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» و با عنایت به اینکه در قرآن (کتاب پیغمبر خاتم(ص)) تصریح نگردیده است که اگر از مسلمانان کسی غیرمسلمانی را به ناحق بکشد قصاص نداشته و یا مقدار دیه کافر غیرحربی کمتر از خونبهای یک مسلمان باشد، و به موجب کتاب‌های پیغمبران پیشین نیز که خداوند متعال آن‌ها را امام و راهنمای مردم زمان خود توصیف نموده و در آیه ۱۲ سوره احقاف و آیه ۱۷ هود با بیان «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً...» کتاب حضرت موسی را امامی

از زمان قبل از نزول قرآن معرفی کرده و در آیه ۴۵ مائده فرموده است:

«وَكُتِبَ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ
وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا
أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» - مقرر کردیم بر ایشان در آن (تورات) که انسان
در برابر انسان است و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در
برابر گوش و دندان در برابر دندان و در جراحت‌ها قصاص است. پس کسی
که تصدق کند به آن، پس آن زداینده گناه اوست و کسانی که به آنچه
خداوند نازل کرده است حکم نکنند هم آنان ظالم می‌باشند» به نظر نمی‌رسد
در زمان‌های پیش از نزول قرآن دیه غیرمؤمن و مؤمن تفاوت داشته یا
اگر مؤمن غیرمؤمنی را عمدأ و به ناحق می‌کشت از مجازات قصاص
معاف بوده باشد و با توجه به سیره عادلانه پیغمبر رحمت حضرت
محمد و روش قرآنی ائمه هدی صلوات‌الله‌علیهم اجمعین و تکلیف ما
انسان‌ها به تلاش برای بهره‌مندی کامل از پندار، گفتار و کردار عادلانه
(منطبق با راهنمایی‌های قرآن کریم) و با توجه به تعهد مسئولین محترم
کشور به اجرای عدالت، امید است علاوه بر قوانین مربوط به اقلیت‌های
کشور، قسمت عمده نقاط ضعف بعضی قوانین دیگر (منجمله قوانین
مربوط به حقوق زن) بر طرف و از مشکلات مربوط به آن‌ها کاسته
گردد.

۳/۶/۲ - در رابطه با حقوق زن: عدم بیان یا عدم تصریح قرآن به تفاوت دیه زن و مرد:

برخلاف موضوع ارث که در اکثر موارد سهم زن نصف سهم مرد بوده، در بعضی از موارد سهم الارث زن با مرد برابر است (وکمبود سهم الارث زن به وسیله مهریه و نفقه جبران گردیده است) در قرآن مجید به نصف بودن دیه زن تصریح نگردیده و مورد خاصی نیز بیان نگشته است تا در آن مورد خاص دیه زن نصف دیه مرد قرار داده شود. با توجه به آیاتی که ملاک برتری و فضیلت را تقوا می‌دانند، مانند: «...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ...» - گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است... (۱۳ حجرات)». و آیه‌هایی که مانع اسراف در قتل می‌باشند و اجازه نمی‌دهند بیش از تعدادی که به عمد و به ناحق کشته شده‌اند از مرتکبین قتل آنان کشته شوند، نظیر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبُ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ...» - ای کسانی که ایمان آورده‌اید نوشته شده است بر شما قصاص در کشتگان، آزاد به آزاد، بنده به بنده و زن به زن... (۱۷۸ بقره) و «...أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...» - جان برابر جان... (۴۵ مائده) و «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» - نفسی را که خدا

محترم قرار داده جز به حق نکشید و کسی که مظلوم کشته شده ما برای ولی دم او حق قصاص قرار داده‌ایم، اما نباید در قتل اسراف کند همانا او یاری شده است (۳۳ سوره اسراء) و با توجه به آیاتی که قضاوت‌ها و اقدامات ما را در مورد همه مردم و در همه حال عادلانه می‌خواهند، مانند: «...إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...» (۵۸ نساء) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...» (۱۳۵ نساء) لازم است در کلیه محاکمات جزائی به میزان تقصیر هر متهم: قصد وی در عمل ارتكابی، وضع خاص و اوضاع و احوالی که تحت تأثیر آنها مرتکب جرم گردیده است (از قبیل رفتار مجرمانه یا تحریک‌آمیز مجنی‌علیه و انگیزه حق‌طلبانه یا شرافتمندانه جانی) دقیقاً توجه گردد و مجازات‌هایی که تعیین می‌شود از همه لحاظ متناسب و عادلانه بوده و هیچ تعارضی با فلسفه حکم الهی قصاص نداشته باشد. توضیح آن که به سبب نقص بعضی قوانین و به علت این که قضاات دادگاه‌ها در مورد بسیاری از جرائم مجاز به لحاظ کردن جهات مخففه و مشدده کیفر نمی‌باشند، تعداد قابل توجهی از احکامی که با استناد به موادی نظیر ماده ۲۰۶، ۲۰۹، ۲۹۷ و ۳۰۰ قانون مجازات صادر می‌شود با عدالت قرآنی سازگاری ندارند، مانند آن که: اگر مرد با سوء نیت متعرض زنی باتقوا گردد و زن بی‌گناه را ضمن شکنجه با وضعی فجیع به قتل برساند قابل

قصاص نیست مگر آن که خانواده مقتوله نصف دیه کامل را به مرد مجرم بدهند. و اگر انسانی خوب (اعم از زن یا مرد) هنگام تعرضِ مردی مزاحم بدون آن که بخواهد مرد را بکشد، در دفاعی نامتناسب مرتکب عملی شود که نوعاً کشنده است، فرضاً در حالتی که بدون ایراد ضرب هم می‌تواند رهایی یابد ضربه‌ای نوعاً کشنده به مرد مزاحم بزند و مرد بمیرد (چون طبق ماده ۲۰۶ مذکور یکی از موارد قتلِ عمد آنست «که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هرچند قصد کشتن شخص را نداشته باشد» و طبق مواد ۶۲۵، ۶۲۷ و ۶۲۹ در مورد دفاع مشروع، دفاع باید متناسب با حمله یا خطر بوده و از شرایط تجویز قتل عمد این است که برای دفاع از نفس یا عرض یا مال، قتل شخص متجاوز لازم باشد لذا) علیرغم رفتار مجرمانه یا تحریک‌آمیز مرد مقتول و انگیزه حق طلبانه یا شرافتمندانه قاتل و نداشتن قصد قتل، قاتل بدون دریافت دیه و بدون برخورداری از هرگونه تخفیف قانونی به تقاضای خانواده مقتول اعدام می‌شود...

۳/۷- کیفر شکستن عهد و سوگند: کمک به نیازمندان

جامعه و گرفتن روزه:

«لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ

اطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كَسَوْتُهُمْ أَوْ تَخْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ - خداوند شما را برای عهد و قسم‌های لغو (از آن قبیل که بدون هدف و بی‌اراده سر می‌زنند) مؤاخذه نمی‌کند ولی برای سوگندی که به اراده و اختیار یاد کنید مورد مؤاخذه قرار می‌دهد و کفاره آن طعام دادن ده نفر مسکین از متوسط غذایی است که به خانواده خود می‌دهید، یا لباس پوشانیدن آنان، یا آزادی بنده، پس کسی که (فاقد امکانات مالیست و یا در موقعیتی قرار دارد که به هیچ یک از موارد مذکور) دسترسی ندارد باید سه روز روزه بگیرد، این کفاره قسم‌های شما می‌باشد وقتی سوگند خورید (و خلاف کنید)، سوگندهای خود را حفظ کنید (سوگند ظالمانه و ناروا و سوگندی که عمل به آن نافرمانی از احکام خدا بوده و شکستن آن لازم باشد یاد نکنید و از عهد و سوگندهای صحیح خود نیز تخلف ننمایید) این چنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند تا (با عمل به آنها) شکرگزار باشید (۸۹ مائده)» و...

۳/۸- کیفرظهار: یاری نیازمندان و گرفتن روزه و یا طلاق زوجه ضمن پرداخت مهریه و سایر حقوق او:

«الَّذِينَ يَظَاهَرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدَتْهُمْ

وَأَنَّهُمْ لَيَقُولُنَّ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَرُؤُوسَ الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْ
 نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ
 بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳) فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ
 لَمْ يَسْتَطِعْ فَاطْعَامَ سِتِّينَ مَسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ
 لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴ مجادله)) خداوند حکیم در آیات مذکور ضمن
 تقبیحظهار و تحریم گرفتار مردانی که همسر خود را همانند مادر خویش
 توصیف و از آمیزش با آنان دوری می کنند، بهظهارکنندگان توصیه
 می فرماید که از سخن ناپسند و باطل خود بازگردند و پیش از آمیزش
 جنسی با زوجه ای که نسبت به ویظهار کرده اند بنده ای را نیز آزاد
 نمایند و هر یک از آنان بنده ای برای آزادی نیابد قبل از تماس دو ماه
 پی در پی روزه بگیرد و اگر نتواند روزه بگیرد شصت نفر مسکین را
 خوراک دهد تا با افزودن به تقوا و اعمال صالح و ایمان خود از عفو و
 آمرزش او برخوردار شوند و از کسانی نباشند که به سبب کفران حدود
 خدا به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد.

تبصره: هرگاهظهارکننده ظرف چهار ماه از سخن ناروای خود باز
 نگردد و به طور متعارف با زوجه خویش آمیزش ننماید، زوجه حق
 دارد با مراجعه به دادگاه، به استناد آیات فوق الذکر و آیه هایی نظیر

آیات ۲۲۶ و ۲۲۷ سوره بقره که می‌فرماید: «لِّلَّذِينَ يُؤْتُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۲۲۶) وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۲۷)» شوهر را موظف سازد که یا از طریق طلاق متارکه کند و یا با دادن کفاره به زندگی زناشویی بازگشت نماید.

۳/۹- کیفر زوجه ناشزه: ۱- تذکر ۲- بی‌اعتنایی در

بستر ۳- ضرب ساده و بی‌خطر ۴- متارکه‌ای منصفانه

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا (۳۴) وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (۳۵) وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا... (۳۶ نساء)» مردان از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است و به آنچه که از مال خود نفقه می‌دهند قیام‌کننده بر (دفاع، تهیّه مایحتاج و انتظام امور) زن‌اند پس زنان شایسته در برابر شوهران خود متواضع هستند و در غیاب شوهر حقوقی را که خدا برای او قرارداد داده است حفظ می‌کنند (زنان حق‌شناس، فروتن و خوش‌رفتاری

که رضایت و آرامش شوهر را بر خواسته‌های غیرضروری و بر هوای نفس خویش ترجیح می‌دهند و در مراقبت از ناموس و نگهداری مال و در انجام وظایف مرتکب خیانت نمی‌شوند و مربی و سرمشقی خوب برای فرزندان حق‌شناس و مسئولیت‌پذیر و صالح می‌باشند، زنانی خوش‌بین و مناسب برای ازدواجی موفق، ازدواجی که آرامش و دوستی و مهربانی را در نهاد خود داشته و قرآن درباره آن فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» و از آیات او آنست که برای شما جفت‌هایی از خودتان آفرید تا در کنار هم آرامش یابید و میانتان دوستی و مهربانی قرار داد... (۲۱ روم) چنین زن‌هایی همسرانی نیکو و شایسته محبت عمیق و درخور احترام قلبی شوهران خویشند، و اگر در رعایت تقوای الهی و عمل به دستورات قرآن کریم از همسران خود سبقت بگیرند، هم در دنیا از ایشان عزتمندتر و دارای آرامش بیشتری هستند هم طبق آیاتی نظیر: «...إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ...» (۱۳ حجرات) در نزد خداوند و در جهان آخرت از شوهران خویش برتر و برای برخورداري از سعادت ابدی نسبت به آنان مقدم می‌باشند.)

۳/۹/۱- لزوم تذکر به همسری که از انجام وظایف

زوجیت خودداری می‌کند:

«وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ - و زنانی را که از خطر سرکشی آنان می‌ترسید موعظه کنید».

باید توجه داشته باشیم خداوند که تمام اسماء و صفات او در نهایت نیکویی، زیبایی و کمال است «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى... (۱۸۰ اعراف)»
 ما را نیافریده است مگر برای بندگی خود «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶ ذاریات)» تا با اطاعت از مواعظ حکیمانه‌اش سعادت‌مند گردیده، تکامل و رفعت یافته، در دنیا و در آخرت از نیکان و از مقربین و از کسب‌کنندگان رحمت و رضوان او باشیم «وَجِهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۵ آل عمران) وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ... (۷۲ توبه)» و برای آن‌که روش بندگی و مواعظ خود را ابلاغ و روشن کند پیامبران را مبعوث و کتاب‌های آسمانی را نازل فرمود و هدف از ارسال پیامبران و نزول کتاب و میزان را قیام مردم به عدالت‌ نامید تا معلوم باشد که عقیده و گفته و عمل غیر عادلانه در جهت خلاف بندگی او قرار دارد و ما انسان‌ها می‌باید از ظلم اجتناب کرده دارای پندار، گفتار و کرداری صحیح، نیکو و عادلانه باشیم «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ

الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... - به درستی که فرستادیم رسولانمان را با دلایل و نازل کردیم با ایشان کتاب و میزان را تا مردم به عدالت قیام نمایند... (۲۵ حدید) و چون قرآن ذکر و قانون و موعظه پروردگار جهان است «وَأَنَّهُ لَذِكْرُكُمْ وَلِقَوْمِكُمْ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» - همانا قرآن ذکر تو و قومت می باشد و به زودی درخصوص نحوه رعایت آن پرسش می شود (۴۵ زخرف) و این کتاب است که برای آنچه در ضمیر انسان می باشد و برای بیماری های اعتقادی و اخلاقی و بسیاری از بیماری های روحی و جسمی شفاء بوده و وسیله هدایت و رحمتی برای اهل ایمان است «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۵۷ یونس)...» لذا همچنان که در آیه ۲۰ سوره مزمل تأکید گردیده: «...فَاقْرَأْ وَآمِنْ مِنَ الْقُرْآنِ...» - تا می توانید قرآن بخوانید... لازم است با مداومت در مطالعه قرآن و تدبّر در آن: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» - آیا در قرآن تدبّر نمی کنند (۲۴ محمد) به کتاب آسمانی خود انس بگیریم و چون قرآن به زبانی ساده و قابل فهم نازل گردیده است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ...» - به درستی که قرآن را برای فهمیدن و یادآوری آسان نمودیم... (۱۷ قمر) با آشنایی به موضوعات و مفاهیم آن، ضمن تطبیق و جمع بندی مطالبی که درخصوص هر موضوع در آیات مختلف بیان

شده است حقّ و باطل را تشخیص داده در مسیر حق قرار داشته و در رابطه با دیگران و به ویژه در ارتباط با همسر خویش انتظاراتی ناروا و خودخواهانه نداشته باشیم و در صورت سرکشی و خشونت زوجه نیز با راهنمایی‌های قرآن و کمک مشاورینی که دارای حسن نیت و آشنا به مفاهیم قرآن می‌باشند ضمن بررسی علّت بدرفتاری زوجه و دادن پاسخ مثبت به انتظارات به حق او، به طریقی خردمندانه وی را به وظیفه قرآنیش آشنا و به پایان دادن رفتار ظالمانه و به اصلاح رابطه زوجیت یاری نماییم. «وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» - و نیست یکسان خوبی و بدی، دفع کن به آنچه آنست بهتر، پس آنگاه کسی که میانه تو و اوست دشمنی، گویا که دوستی گرم و صمیمی است (۳۴ فصلّت).

۲/۹/۳- بی‌اعتنایی در بستر:

«وَاهْجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ - و در بستر از آن‌ها دوری کنید».

مرحله دوم از کیفر همسر ناشزه‌ای که تذکرات عادلانه را نمی‌پذیرد و بدون عذر قرآنی به ناسازگاری و امتناع از انجام وظایف مهم زوجیت ادامه می‌دهد آنست که در خوابگاه مشترک مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد و همسرش از آمیزش جنسی با او خودداری نماید.

۳/۹/۳- ضرب ساده و بی خطر:

«وَأَضْرِبُوهُنَّ - و آنان را بزنید».

مرحله سوم از کیفر زن ناشزه‌ای که تذکرات عادلانه را نپذیرفته است و دوری شوهر از بستر وی نیز مشارالیه‌ها را از سرکشی باز نداشته و بدون عذر موجه همچنان به رفتار ظالمانه ادامه می‌دهد آن است که در جهت اصلاح و تربیت، مورد تنبیه بدنی ساده و بی‌خطر قرار گیرد، مثلاً با دست یا وسیله‌ای نظیر ترکه یک یا چند ضربه به بعضی نقاط مقاوم و غیر حسّاس او نواخته شود تا شاید به خود آید و با تجدید نظر در رفتار بد خویش، آرامشی را که خداوند مقرر داشته و وجود آن از لوازم دوام زوجیت و زندگی سعادت‌مندانه است نابود ننماید «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» - او کسی است که آفرید شما را از نفس واحد و قرار داد از آن جفتش را تا (با نیک‌منشی، راستی، پاکی، فروتنی، مهرورزی و کمک به هم) در کنار یکدیگر آرامش یابند... (سوره اعراف).

لازم است این نکته یادآوری شود که در قوانین ایران، نشوز شوهر از پرداخت نفقه زن، علاوه بر جنبه اصطلاحاً حقوقی، دارای جنبه جزایی می‌باشد و با دادخواست و شکایت زنی که شوهرش از تهیه و

پرداخت نیازهای متعارف او از قبیل مسکن، لباس، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمان... خودداری نماید مراجع قضایی علاوه بر اینکه از نظر حقوقی شوهر را به تهیّه و تأمین نفقه زن محکوم می‌نمایند از نظر جزایی هم به استناد ماده ۶۴۲ قانون مجازات، او را تعقیب و مجازات می‌کنند: «ماده ۶۴۲- هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النّفقه امتناع نماید دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید.» اما نشوز و عدم تمکین زوجه فقط جنبه حقوقی دارد و زوجه سرکش و خوددار از انجام وظایف را نمی‌توان توسط مراجع قضایی مورد تعقیب جزایی قرار داد و به مجازات رسانید و ضربی که در مرحله سوم کیفر نشوز توسط شوهر به زوجه وارد شود نیز حتی اگر موجب ایجاد اثری ناچیز گردد مانند آن که به اندازه پشت ناخن از پوست بدن او را سرخ کند شوهر با شکایت زوجه، به اتهام ایراد ضرب مورد تعقیب جزایی قرار می‌گیرد و چون نحوه تنظیم قانون موجود در مورد دیه و قصاص به گونه‌ای است که دادگاه نمی‌تواند آن‌طور که لازم می‌باشد برای اجرای عدالت به کیفیات مخفّفه کیفر و به سوء رفتار شاکی و انگیزه حق طلبانه متهم توجه نماید لذا بدون آن که تخفیفی بدهد شوهر را (که بدون سوءنیت مجرمانه با همسر ناشزه

خود درگیری پیدا کرده و با قصد اصلاح و برای دفع ستم از خود او را مورد ضرب قرار داده است) به پرداخت تمام دیه صدمه وارده محکوم می‌نماید، در حالی که در مانحن فیه شاکیه به ناروا و به‌طور مستمر دارای سوء رفتار و سبب اختلال روانی شوهر و محرک و مقصر اصلی در مضروب شدن خویش بوده و مجازات شوهر مذکور نباید به مقدار مجازات شخص بیگانه‌ای باشد که با سوءنیت و به ناروا زوجه شخص دیگری را کتک زده و موجب ایجاد صدمه‌ای مشابه شده است.

ناگفته نماند که در رابطه با جنبه جزایی نشوز، چون ماده ۶۰۸ قانون مجازات بیان می‌دارد که: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حدّ قذف نباشد موجب محکومیت به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.» لذا اگر سوءرفتار زن یا شوهر توأم با فحاشی و استعمال الفاظ رکیک باشد و اهانتی که به یکدیگر می‌کنند قابل انطباق با ماده ۶۰۸ مذکور محسوب شود، تعقیب جزایی و مجازات همسر فحّاش و اهانتگر نیز مانند سایر افراد جامعه، از طریق مراجع قضایی امکان‌پذیر می‌باشد.

۳/۹/۳/۱ - در رابطه با حقوق و تکالیف قانونی زوجین

نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به فرزندان:

به موجب مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند و باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند و طبق ماده ۱۱۰۵: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است.» و بنا به ماده ۱۱۰۶: «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است.» و طبق ماده ۱۱۰۸: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.» و به موجب ماده ۱۱۱۱: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.» طبق ماده ۱۱۶۸: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.» و به موجب ماده ۱۱۷۷: «- طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد باید به آنها احترام کند.» و بنا به ماده ۱۱۷۸: «ابوین مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.» و طبق ماده ۱۱۷۹ قانون فوق‌الذکر: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب تنبیه نمایند.»

۳/۹/۳/۲- نظریه و پیشنهاد در مورد جنبه جزایی نشوز:

چون زن‌ها برای جهیزه‌ای که به خانه شوهر می‌برند و کمکی که در زندگی مشترک می‌کنند و در قبال خوبی‌ها و حسن رفتار خود از شوهر انتظار قدردانی دارند و شوهرها نیز برای مهریه و نفقه‌ای که می‌پردازند و برای تلاشی که در جهت رفع نیازمندی‌های خانواده می‌کنند و در قبال خوش‌رفتاری و فداکاری خود از زوجه توقع دارند که حق‌شناس باشد، لذا هنگامی که برخی زن‌ها یا شوهرها علاوه بر حق‌ناشناسی با زشتی‌هایی دیگر نظیر بهانه‌جویی، زیاده‌طلبی، تندخویی، ستیزه‌جویی، بداندیشی، بدگویی، تحقیر همسر نزد کودک و با بدبین و ناسپاس و اهان‌تگر نمودن فرزندان نسبت به همسر و یا با هر سؤرفتار دیگری از انجام صحیح وظایف زوجیت امتناع می‌نمایند و همسر خود را مورد آزار روحی و در آشفتگی قرار می‌دهند، همسران آنان با از دست دادن تحمل خویش و نیافتن راه و مرجعی که به وسیله آن بتوانند خود را نجات دهند بعضاً دست به کارهای ناصحیح و جنون‌آمیزی می‌زنند که دارای زیان‌هایی بزرگ و غیرقابل جبران می‌باشد. بنابراین و بنا بر بعضی علل دیگر، بهتر است نقص یا خلأ قانون در مورد جنبه جزایی نشوز برطرف شود و مرحله سوم کیفر همسر ناشزه (ضرب) طبق رأی مرجع قضایی به اجرا درآید تا بدرفتاری‌های درون

خانواده‌ها کم گردد و عقده‌های عمیق و زیان‌های بزرگ ناشی از درگیری‌های خانوادگی کاهش یابد، در این راستا پیشنهاد می‌شود ماده ۶۴۲ قانون مجازات که متن آن ذکر گردید به شرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۶۴۲ (اصلاحی)- هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع نماید، و زنی که علیرغم استفاده از نفقه شوهر، بدون عذر موجه و بیش از چهار ماه از شوهر خود تمکین ننموده و نسبت به او سرکش و خشن باشد، و همچنین هریک از اعضاء خانواده (اعم از فرزندان، زن و شوهر) که با ابراز حق‌ناشناسی یا ناسپاسی در برابر وظیفه‌شناسی یا خوبی بعضی اعضا دیگر خانواده، با زشتی‌هایی نظیر بهانه‌جویی، زیاده‌طلبی، تند خویی، ستیزه‌جویی، بداندیشی، بدگویی و یا با هر رفتار سوء دیگری که نوعاً تحمّل آن برای بشر مشقّت‌بار و زجرآور است در آرامش خانه اختلال کرده و برخی بستگان خود را در ناراحتی و مورد آزار و آشفته‌گی روحی قرار داده باشد، دادگاه عندالاقضاء ضمن استفاده از بعضی مشاوران یا مددکاران آگاه و امین، شخص مجرم را به ۱ تا ۷۴ ضربه شلاق یا به سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس و یا به پرداخت جزای نقدی که بیش از مابه‌الازاء پنج ماه حبس نباشد و یا به سرزنش و ارشاد و دادن تعهّد و

یا به مطالعه کتاب و یا به هر اقدامی که سنگین‌تر از پنج ماه حبس نبوده و برای تأدیب و اصلاح او مفید باشد محکوم خواهد کرد.

۳/۹/۴ - متارکه‌ای منصفانه:

«فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِمْ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» - پس اگر آن زن‌ها از شما اطاعت کردند، راهی برای برتری بر آنان مجوید (و به یاد داشته باشید که شما برتر بزرگ نیستید) به درستی که خداوند برتر بزرگ است (۳۴)

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا - و اگر (به سبب زیادی اختلاف) بیم جدایی دو همسر را داشته باشید داوری از کسان شوهر و داوری از کسان زن انتخاب کنید اگر هدفشان اصلاح باشد خدا میان آنان سازگاری می‌دهد به درستی که خدا دانای خبیر است (۳۵)

إِحْسَانًا وَبِذَى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ وَأَيْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنْ اللَّهُ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا - و خدا را پرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید همچنین به نزدیکان، یتیمان، یتوایان، همسایگان نزدیک، همسایگان دور، معاشر یا مصاحب نزدیک، مسافر و امانده و به زیردستان خود، به درستی که خدا شخص خود برترین خودخواه فخرکننده را دوست نمی‌دارد (۳۶ نساء).

اگر بعد از اجرای سه مرحله کیفر نشوز (تذکر- دوری از بستر و ضرب) همچنان زوجه به سرکشی و بد رفتاری ادامه بدهد و داورها نیز نتوانند او را به رعایت اعتدال متقاعد نمایند متارکه منصفانه می تواند پایانبخش بسیاری از درگیری ها باشد :

با توجه به آیاتی که هرگونه بی عدالتی را ممنوع و احسان را نسبت به نزدیکانی مانند همسر واجب فرموده اند و آیاتی که حق یکسان زن و مرد در ورود به ازدواج و انتخاب آزادانه همسر و داشتن رضایت کامل در هنگام انعقاد نکاح و برخورداری از حقوق متناسب و عادلانه در برابر مسئولیت های متفاوت دوران زناشویی و هنگام جدایی را تبیین می کنند مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لَتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَلَا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا- ای کسانی که ایمان آورده اید حلال نیست برای شما که علیرغم وجود اکراه به میراث گیرید زنان را (باید با زنانی که راضی به ازدواج با شما نیستند و نیز با زنانی که از آنان خوشتان نمی آید ازدواج نکنید و بعد از ازدواج هم نه تنها مالی از ایشان را خلاف میلشان در اختیار خود نگیرید) آنان را تحت فشار قرار ندهید تا بعضی از آنچه به ایشان داده اید (از قبیل مهریه) را باز پس ستانید مگر آنکه عمل زشت آشکاری انجام بدهند و با آنان آنطور که خوب و شایسته است

رفتار کنید، پس اگر (همسرانتان از شما اکراه پیدا نمودند و خواهان جدایی هستند بطریقی منصفانه از آنان جدا شوید و اگر شما) از همسرانتان اکراه پیدا کردید (زود تصمیم به جدایی نگیرید) ای بسا چیزی را که نمی‌پسندید خداوند در آن خیر کثیری قرار داده باشد (۱۹ نساء) **وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَ بِهَتَانَا وَآثِمًا مُبِينًا** - و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود بگیرید و مال فراوانی (به عنوان مهریه و هدیه) به همسر خود داده‌اید، چیزی از آن را نگیرید آیا برای پس گرفتن آن متوسّل به بهتان و گناه آشکار می‌شوید (۲۰ نساء). **وَكَيفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمُ إِلَىٰ بَعْضٍ وَآخَذْتُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا** - چگونه آن (مال) را پس می‌گیرید در حالی که با یکدیگر آمیزش داشته‌اید و همسران شما پیمان محکمی به هنگام عقد ازدواج از شما گرفته‌اند (۲۱ نساء)....

چون مهریه سنگین و یا مال پربهایی که شوهر به زن می‌دهد و یا تعهد می‌کند که آن را به او بدهد عرفاً برای آنست که زن تا پایان عمر در کنار شوهر به وظایف زوجیت عمل نماید و زن نیز هنگامی به خواستگار خود پاسخ مثبت می‌دهد که او متعهد به انجام وظایف و میثاق زوجیت باشد لذا مؤیداً به آیاتی که به موجب آن‌ها خداوند نمی‌پسندد که بندگان در سختی و تنگنا قرار داشته باشند نظیر: **«...وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...» (۷۸ حج) ...يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ**

بِكُمُ الْعُسْرَ... (۱۸۵ بقره)» به نظر می‌رسد حتی اگر زوجه‌ای که ناشزه است با طلاق خود مخالفت نماید، شوهر حق دارد ضمن پس گرفتن قسمت عادلانه‌ای از اموالی که به او داده است و یا با کم کردن میزان تعهدات خود نسبت به وی، مشارالیه را مطلقه کند، همچنان که اگر شوهر دارای نشوز یا سوء رفتاری باشد که زندگی زن را توأم با عسر و حرج نماید و نخواهد زن را طلاق بدهد زن ضمن دریافت مبلغی عادلانه بابت مهریه و نفقه، حق دارد با او متارکه نماید.

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَأَمَّا كِبْمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ - جدایی بین زن و شوهر دوبار است، پس نگهداشتنی به خوبی، یا رها ساختنی به احسان، حلال نیست برای شما از آنچه به زنان داده‌اید پس بگیرید مگر آن که بترسند که حدود خدا را برپا ندارند. پس اگر بترسید که حدود خدا را رعایت نکنند گناهی بر آن دو نیست که زن فدیہ بپردازد، این حدود الهی است از آن تجاوز نکنید و کسی که از حدود خدا (واز مسیر حق یا عدالت قرآنی) تجاوز کند هم ایشان ستمگرانند (۲۲۹) فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ... - پس اگر (بعد از دو مرتبه طلاق- سه بار

ازدواج، بار دیگر) مرد زن را طلاق داد، آن زن بر او بعد از آن حلال نخواهد شد مگر اینکه با مرد دیگری ازدواج کند، پس اگر شوهر بعدی او را طلاق داد، گناهی ندارد که آن دو بار دیگر ازدواج نمایند مشروط بر این که امیدوار باشند که حدود الهی را رعایت خواهند کرد... (۲۳۰) **وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُنَّ أَجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَوْسَرِ حُوْهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا...** - هنگامی که زنان را طلاق دهید و عده آنان فرا رسد پس نگهدارید ایشان را به خوبی، یا رهایشان کنید به خوبی، و هرگز به خاطر ضرر رسانیدن و تعدی کردن آنان را نگه ندارید... (۲۳۱) **وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ...** - و برای زنان مطلقه متاعی شایسته فراهم نمائید ... (سوره بقره ۲۴۱) **وَأَشْهَدُواذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ...** - و (هنگام هر بار طلاق و جدایی) دو نفر عادل از خودتان گواه بگیرید... (۲ سوره طلاق).

۳/۹/۴/۱- قانون در رابطه با طلاق و اقسام آن:

قانون مدنی در رابطه با طلاق در ماده ۱۱۳۳ اصلاحی و تبصره ذیل آن بیان داشته است که: «مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید.

تبصره- زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید.» طبق ماده ۱۱۱۹: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در

ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل این که شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد. و به موجب ماده ۱۱۲۹: «در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر را اجبار به طلاق می نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.» و بنا به ماده ۱۱۳۰: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود.»

و در ارتباط با اقسام طلاق، در ماده ۱۱۴۳ بیان داشته است که: «طلاق بر دو قسم است: بائن و رجعی.» و طبق ماده ۱۱۴۴: «در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست.» و به موجب ماده ۱۱۴۵: «در موارد ذیل طلاق بائن است: ۱- طلاقی که قبل از نزدیکی واقع شود. ۲- طلاق یائسه. ۳- طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع به عوض نکرده باشد. ۴- سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی به عمل آید اعم از این که وصلت در

نتیجه رجوع باشد یا نتیجه نکاح جدید».

و بنا به ماده ۱۱۴۶: «طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد اعم از این که مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد».

و به بیان ماده ۱۱۴۷: «طلاق مبارات آن است که کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد». و طبق ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی: «در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عدّه حق رجوع است».

۳/۹/۴/۲- هدف قرآن از تجویز مشروط و محدود تعدّد زوجات: حمایت از یتیمان و زنان بی‌شوهر، دفاع از عدالت اجتماعی و فردی، منع ستم و فحشاء...

با توجه به آیه‌هایی نظیر آیات ابتدای سوره نساء که انسان‌ها را از یک پدر و مادر و نسبت به هم خویشاوند و مسئول رفع بسیاری از نیازهای یکدیگر می‌داند، هرگاه به علتی مانند جنگ، تعداد زنان بی‌شوهری که خواهان ازدواجند از مردان بدون زنی که آماده ازدواجند بیشتر گردد، به منظور اجرای عدالت نسبی میان زنان اجتماع و رفع ستم از ایتمام و ممانعت از فحشاء، بعضی مردان توانمندی که مانع و

معترضِ ذیحقی نداشته باشند اجازه خواهند یافت که هر یک تا چهار نفر از زنان موافق و آماده زندگی دوستانه با هُو را به نکاح خود درآورند و ضمن رفتاری عادلانه بین آنان، برای فراهم شدن موجبات آسایش و رفاه ایشان کوشش نمایند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا رَوْحَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» - ای انسان‌ها دوری کنید از نافرمانی پروردگار خود که آفرید شما را از یک تن و جفتش را نیز از او آفرید و گسترانید از آن دو تن مردان بسیار و زنان را، پرهیزید نافرمانی خداوندی را که سؤال شوید به او و رحمها (پرهیزید از نافرمانی خداوندی که نیازهای خود را به مشیت و با نعمت‌های او، و بسیاری را به کمک خویشاوندان برطرف می‌کنید و در روز جزا می‌باید در مورد نحوه بندگی او و چگونگی رفتار خود با خویشاوندان پاسخگو باشید) همانا خداوند بر شما مراقب است (۱ نساء) وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَبْدُلُوا الْخَيْثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا - اموال یتیمان را به ایشان بدهید و مال خبیث را با مال طیب آنان عوض نکنید و (اگر با افراد یتیم هم‌خرج و هم‌سفره می‌باشید استفاده از اموال آنان را بر استفاده از اموال خود مقدم ندارید) و اموال آنان را نخورید تا به اموال خویش، به درستی که این استفاده ناروا و غیرعادلانه گناهی بزرگ است (۲) وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا

مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ
 أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آذَنِي أَنْ لَا تَعُولُوا- اگر بیم دارید که در مورد زنان و اطفال
 بی سرپرست نتوانید عدالت را رعایت کنید (و در وضعیتی هستید که برای
 اجرای عدالت و برای رعایت منافع یتیمان لازم می دانید که با تعدادی از زنان
 بی شوهر ازدواج نمایید) پس دو و سه و یا چهار تا از زنانی را که برای شما
 پاک و دلنشینند به نکاح خود در آورید، اما اگر بیم دارید که میان زنان خود
 نتوانید عادلانه رفتار کنید پس با یک زن آزاد یا با یک کنیز ازدواج نمایید
 این نزدیکتر است به آن که مرتکب ستم نشوید (بهتر آنست که فقط یک زن
 داشته باشید) (۳) وَعَاتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا
 فَكُلُّوهَ هُنِيئًا مَرِيئًا- و مهریه و سایر حقوق زنان را بخشش گونه (قبل از آن که
 برای دریافت آن اصراری نمایند) عطا کنید پس اگر خود ایشان چیزی از آن
 را دوست داشتند که برای شما باشد بخورید آن را سازگار گوارا (۴)
 وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا
 لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا- و ندهید به کم خردان اموالتان را که خدا وسیله ایستادگی
 شما قرار داده است، و رزق دهیدشان در آن و بپوشانیدشان و بگویید برای
 ایشان گفتاری نیکو (۵) وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا
 فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا
 فَلْيَسْتَغْفِرْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا

عَلَيْهِمْ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا- یتیمان را (طبق آموزش‌های قرآن تربیت و) امتحان نماید تا به توانایی نکاح (و تشکیل خانواده) برسند، پس اگر رشد (و خرد و رزی لازم را) از آنان دیدید، اموالشان را به ایشان برگردانید و آنرا با اسرافکاری و پیش از آن‌که بزرگ شوند (بابت مزد سرپرستی خود) نخورید، و کسی که بی‌نیاز است درگذرد و کسی که فقیر است منصفانه اندکی را (به ازاء زحماتی که به نفع یتیم کشیده است) بخورد، پس هرگاه اموال آنان را بخودشان دادید گواه بگیرید (و بدانید که برای محاسبه اعمال هرکس نظارت) و حسابرسی خداوند کفایت می‌کند (۶)... اِنَّ الَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ اَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا اِنَّمَّا يَأْكُلُوْنَ فِي بُطُوْنِهِمْ نَارًا وَّ سَيَصْلُوْنَ سَعِيرًا- آنانکه اموال یتیمان را ظالمانه می‌خورند آتش در شکمهای خود فرو می‌برند و بزودی در آتش فروزان قرار می‌گیرند (۱۰ نسا)».

(ابتدای آیه ۶ سوره نساء که لزوم آمادگی جسمانی و تربیتی و رشد عقلانی یتیمان را برای ازدواج و نیز لزوم رشد یا بزرگی آنان را برای دریافت اموال و استفاده عقلانی از اموال مورد عنایت قرار داده است باید در تعیین بلوغ و رشد و در تشخیص صلاحیت افراد برای ازدواج مورد توجه باشد)

تکمله: علاوه بر مواردیکه بعضی مردان توانمند برای اجرای عدالت نسبی میان زنان بی‌شوهر و برای رفع ستم از افراد یتیم اجازه

ازدواج مجدد می‌یابند، در موارد دیگری نیز برای رعایت مصلحت توأم با اجرای عدالت، ازدواج مجدد یا تعدد زوجات قابل تجویز است، از آنجمله: هرگاه زوجهٔ ناشزه یا زوجه‌ای که قادر به انجام وظایف زوجیت نیست نخواهد به طریقی منصفانه از شوهر طلاق بگیرد...

۳/۹/۴/۳- قانون و تعدّد زوجات:

در رابطه با تعدد زوجات و ازدواج مجدد، قانون مدنی با بیان: «هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دخترخواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازهٔ زن خود.» در ماده ۱۰۴۹، اجازهٔ زوجه را فقط برای ازدواج مجدد با دختر برادر و دختر خواهر وی لازم دانسته است. و در ماده ۱۱۱۹ بیان نموده است: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل این که شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد..... زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقه سازد.» و در ماده ۱۱۲۸ با بیان: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.» ظاهراً حق زوجه جدید را برای جدا شدن از مرد متأهلی که خود را مجرد معرفی نموده پذیرفته است،

ولی برای رعایت حق زوجه‌ای که فاقد وکالت مذکور در ماده ۱۱۱۹ می‌باشد و شوهرش برخلاف قول و قرارهای قبل از ازدواج خود مجدداً ازدواج می‌کند ضابطه و راهکار جامع‌الاطرافی ارائه نکرده است. و قانون مجازات مصوب ۱۳۷۰ نیز در ماده ۶۴۷ با بیان: «چنانچه هریک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکّن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرّد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.» به زوجه دوم و بعد از او اجازه داده تا شوهری را که خود را به دروغ مجرد معرفی کرده است تعقیب کیفری و توسط مراجع قضایی مجازات نمایند ولی مجوزی صادر نکرده است تا اگر شوهری با انجام ازدواج مجدد در حق زوجه مقدم خود ستم روا داشته باشد زوجه مقدم بتواند در مرجع قضایی شوهر پیمان‌شکن را مورد تعقیب کیفری قرار بدهد لذا برای رفع بعضی نواقص فوق‌الاشعار پیشنهاد می‌شود:

الف- از لحاظ حقوقی، ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی که بیان می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند دختر برادر زن و یا دختر خواهر زن خود را بگیرد مگر با اجازه زن خود.» بشرح ذیل اصلاح و تکمیل گردد:

ماده ۱۰۴۹ (اصلاحی)- مرد نمی‌تواند بدون موافقت زن خود

ازدواج مجدد نماید مگر آنکه زن او ناشزه و یا ناتوان از انجام وظایف زوجیت باشد.

تبصره: هیچ کس نمی‌تواند بدون اجازه زن خود دختر برادر زن یا دختر خواهر زن خود را بگیرد حتی اگر زن او ناشزه و یا ناتوان از انجام وظایف زوجیت باشد.

ب- از لحاظ کیفری، با اضافه نمودن عبارت: (مردی که دارای زوجه‌ای متواضع و توانا به انجام وظایف زوجیت می‌باشد اگر بدون موافقت مشارالیه‌ها مجدداً ازدواج نماید از ۳ ماه تا یک سال حبس و یا از ۱۸ الی ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد) به ماده ۶۴۷ قانون مجازات، ماده مذکور بشرح ذیل اصلاح شود:

ماده ۶۴۷ (اصلاحی)- الف : چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هریک از آنها واقع شود مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

پ- مردی که دارای زوجه‌ای متواضع و توانا به انجام وظایف زوجیت می‌باشد اگر بدون موافقت مشارالیه‌ها مجدداً ازدواج نماید از ۳ ماه تا یک سال حبس و یا به ۱۸ الی ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۱۰/۳- کیفر کسی که در حال احرام شکار کند: اهداء

قربانی یا اطعام مساکین و یا گرفتن روزه

به موجب آیاتی نظیر آیه‌های ۹۵ و ۹۶ سوره مائده، هنگامی که شخص به قصد انجام آداب حج و عمره مُحْرَم می‌شود، مادامی که در احرام است شکار حیوانات صحرایی بر او حرام می‌باشد و اگر در حالت احرام صیدی بَرّی را به قتل برساند، برای آن که عقوبت کار خود را بپشد می‌باید همانند شکاری که به قتل رسانده است هدیه به کعبه رساند و یا برای کفاره عملش به افراد فقیر طعام دهد و یا معادل آن روزه بگیرد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بِالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِه... (۹۵) أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلْغِيَارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا ذُمُّنَّ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶)».**

توضیح آنکه آیه ۱۹۷ سوره بقره با بیان: **«...فَلَارْفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ»** علاوه بر دادن توجه به ممنوع بودن ارتکاب فسوق (شامل هرگناه کبیره و صغیره) آمیزش جنسی با همسر، خروج از ضوابط مقرر

و بحث و جدل و خشونت و فشار به دیگران را هنگام انجام حج ممنوع نموده و از صاحبان خرد خواسته است با انجام امور خیر، بخصوص با افزایش تقوای الهی، برای دنیا و آخرت خویش بهترین توشه‌ها را تهیه نمایند (البته به هدایت قرآن).

۱۱/۳- کیفر کسی که بعد از ارشاد و تذکر در داخل

مسجد شرک‌ورزی می‌کند اخراج است از مسجد:

طبق آیاتی که نمونه‌هایی از آنها ذیلاً بیان خواهد شد:

الف- شرک ظلمی عظیم^۱ و گناهی غیرقابل بخشش^۲ و موجب تباه شدن اعمال بندگان است.^۳

ب- گناه شرک به خدا در مسجد، بخصوص در مسجدالحرام از گناه شرک در سایر مکان‌ها بزرگتر است.^۴

پ- مسجد جایگاه خاص عبادت پروردگار است و باید از مظاهر خرافه پرستی و شرک‌ورزی طاهر باشد و کسی که داخل مسجد شرک‌ورزی می‌کند لازمست در جهت امر به معروف و نهی از منکر با گفتاری نرم او را به نمونه‌ای از آیاتی که از آنها تخلف کرده است توجه داد و در صورتی که بعد از تذکر قرآنی همچنان به شرک‌ورزی

ادامه دهد وی را به اخراج از مسجد محکوم و حضورش را در مسجد به اجتناب از رفتار شرک‌آمیز مشروط نمود.^۵

۳/۱۱/۱- نمونه آیات (در رابطه با مبحث کیفر شرک

در مساجد)

۳/۱۱/۱/۱- شرک ورزیدن به خداوند ستمی عظیم است:

آیه ۱۳ سوره لقمان: «...لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ - هرگز به خدا شرک مَورَز به درستی که شرک ظلمی عظیم است.»

۳/۱۱/۱/۲- شرک ورزیدن به خداوند گناهی غیر قابل بخشش

می‌باشد :

آیه‌های ۴۸ و ۱۱۶ سوره نساء: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ... - خداوند شرک را نمی‌بخشد و پایین‌تر از آن را برای هر کس که بخواهد می‌بخشد...»

۳/۱۱/۱/۳- شرک به پروردگار جهان موجب تباهی اعمال

است:

آیه ۶۵ سوره زمر: «...إِنَّ أَشْرَكَتَ لَيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ -

اگر شرک بورزی عملت تباه می شود و از زیانکاران می باشی.»

۳/۱۱/۱/۴- گناه شرک به خدا در مسجد، بخصوص در

مسجد الحرام از گناه شرک در سایر مکانها بزرگتر است:

آیه ۲۸ سوره توبه: «...إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ...»
 مشرکان نجسند و نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند.» و آیه ۲۶ سوره حج:
 «وَأَذِّنْ لِلْإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي شَيْئاً وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ
 وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ- ابراهیم را در بیت جای دادیم که به من هیچ شرک مورز
 و بیتم را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و نمازگذاران پاک گردان»
 و...

۳/۱۱/۱/۵- مسجد باید از مظاهر خرافه پرستی و شرک ورزی

پاک باشد و در آن از خواندن غیر خدا اجتناب نمائیم:

آیه ۱۸ سوره جن: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا- مسجدها
 برای (سجده و پرستش) خداوند می باشند پس با خدا کسی را نخوانید (بویژه
 در مسجد).» و ...

۳/۱۱/۲- نمونه‌هایی از رفتارهای شرک‌آمیز: خواندن غیرخدا با خدا، خواندن غیرخدا به حالت دعا (دعا به درگاه غیرخدا) و طلب امداد غیبی از غیرخدا:

در استنباط از آیاتی که نمونه‌هایی از آن‌ها ذیلاً بیان می‌شود، به استثناء افراد با تقوایی که عالم و عامل به او امر خداوند بوده در برابر وسوسه‌های شیطانی مقاوم باشند بقیه افراد را ابلیس و سایر شیاطین با تزئین اعمال ناصحیح و القاء شبهه می‌توانند از صراط مستقیم حق و عدالت منحرف و جهنمی نمایند^۱ لذا با اغواگری‌های شیاطین جن و انس نه تنها اکثر مردم به قرآن ایمان نمی‌آورند^۲، بیشتر افراد مؤمن به خدا نیز به طرق گوناگون نسبت به خدا شرک ورزیده^۳، بعضاً با غلو در مورد بزرگان دین(ع)، یا قرار دادن نام بزرگان مورد نظر خود در ردیف نام خدا، هم خدا را و هم آنان را می‌خوانند و به آنان نیز توکل و در حضور خدا از آنان طلب امداد غیبی می‌کنند^۴...

نمونه‌هایی از آیات مورد استنباط (در رابطه با مبحث رفتارهای شرک‌آمیز):

۳/۱۱/۲/۱- شیطان در گمراه نمودن اکثر ما انسانها موفق می‌باشد:

آیه‌های ۳۹ و ۴۰ سوره حجر: «...لَا زَيْنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا غَوِيَّةٌ لَهُمْ أَجْمَعِينَ (۳۹) إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ - (ابلیس گفت) هر آینه آنچه اغواکننده و زیان‌آور است برای انسان‌ها در زمین زینت می‌دهم و همه آنان را گمراه می‌کنم مگر بندگان خالص شده‌ات را» و آیه‌های ۶۳ نحل و ۲۴ نمل و ۲۸ عنکبوت: «...زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَغْمَالَهُمْ... - شیطان اعمال (خرافی و ناصحیح) آنان را برای آنان زینت داد». و ...

۳/۱۱/۲/۲- اکثر مردم به قرآن ایمان نخواهند آورد:

آیه ۱۰۳ سوره یوسف: «وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ - هرچند به ایمانشان حریص باشی و تلاش کنی که ایمان بیاورند، اکثر مردم ایمان نمی‌آورند». و ...

۳/۱۱/۲/۳- بیشتر افراد مؤمن به خدا نسبت به او شرک

می‌ورزند:

آیه ۱۰۶ سوره یوسف: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ - و اکثرشان به خدا ایمان نمی‌آورند الا و ایشان شرک ورزندگانند» و آیات ۸۴ تا ۸۹ مؤمنون: «قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - بگو زمین و آنچه در آنست از آن کیست اگر می‌دانید؟ (۸۴) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ - می‌گویند از آن خداست، بگو پس آیا متذکر نمی‌شوید (۸۵) قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ - بگو چه کسی پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش عظیم است (۸۶) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ - می‌گویند (مالکیت و ربوبیت آنها نیز) از آن خداست، بگو پس چرا از خدا پروا نمی‌کنید (۸۷) قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ - بگو چه کسی حکومت همه موجودات را در دست دارد و او پناه می‌دهد و نیاز به پناه ندارد اگر می‌دانید؟ (۸۸) سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ - می‌گویند (حکومت همه چیز) از آن خداست بگو پس چرا فریب می‌خورید (نذر به درگاه غیر خدا می‌کنید، غیر خدا را هم به حالت دعا می‌خوانید و از غیر خدا امداد غیبی می‌خواهید...)». و...

۳/۱۱/۲/۴- ممنوعیت غلو در دین - نمونه‌هایی از شرک‌ورزی
ما انسانها- بعضی هشدارهای قرآن در رابطه با پندار، گفتار
و رفتارهای مشرکانه:

الف- آیه ۱۷۱ نساء و آیه ۷۷ مائده: «...لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ...» در
دین خود غلو نکنید...»

ب- آیه ۳۱ سوره توبه: «اتَّخِذُوا آخْبَارَهُمْ وَرُءُوبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ
وَالْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ وَمَا أُمُّرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا أَلَا إِلَهُ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ»-
علماء مذهبی و زاهدانشان را از دون خدا ارباب گرفتند همچنین مسیح پسر
مریم را، (افراد مورد توجهی از مذهب مورد نظر خود، و نیز پیامبران مقرب و
امامان به حقی نظیر حضرت مسیح را در ربوبیت خدا شرکت می‌دهند و به
آنان بعد از خدا توکل می‌کنند و ایشان را به حالت دعا می‌خوانند و از آنان
هم امداد غیبی طلب می‌کنند و ...) در صورتی که دستور ندارند مگر اینکه
الهی یگانه را پرستش کنند، معبودی که غیر از او الهی نیست و پاک است از
آنچه به او شرک می‌ورزند.»

پ- آیه‌های ۱۸ و ۱۰۶ سوره یونس: «وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ
وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ
وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»- سوی خدایچهایی رامی‌پرستند

که نه زیان و نه سودی به آنان می‌رسانند و می‌گویند این‌ها شیعیان ما نزد خدا می‌باشند، بگو آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین از آن سراغی ندارد؟ او منزّه و برتر است از آنچه شرک می‌آورند (۱۸)

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِنَ الظَّالِمِينَ -

مخوان سوای خدا آنچه را که نه سودت دهد و نه گزندت برساند، اگر غیر خدا را (به صورت دعا) خواندی از ستمکارانی».

ت- آیه‌های ۱۹۴ و ۱۹۵ سوره اعراف: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ أَنْ كُنتُمْ صَادِقِينَ - آنان که به جز خدا می‌خوانید بندگانمانی همچون خود شما هستند اگر ادعای شما درمورد آنان درست بوده و از راستگویان باشید باید دعا‌های شما را مستجاب و حاجت‌هایتان را برآورده سازند (۱۹۴) اَلَهُمْ اَرْجُلُ يَمْشُونَ بِهَا اَمْ لَهُمْ اَيْدٍ يَبْتَطِشُونَ بِهَا اَمْ لَهُمْ اَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا اَمْ لَهُمْ اُذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا... - آیا آنان را پاهایی هست که با آن راه بروند یا دست‌هایی دارند که با آن بگیرند یا برای ایشان چشم‌هایی هست که با آن بتوانند ببینند یا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟...».

البته همانطور که از آیاتی نظیر آیه‌های ۵۳ و ۵۴ نحل، ۳۱ تا ۳۵ روم، ۸ زمر، ۶۴ و ۷۹ و ۸۰ آل عمران، ۳۱ توبه، ۷۰ و ۷۱ و ۱۳۸ اعراف... برداشت می‌شود، وقتی خدا رنجی را از انسان برطرف می‌کند، گروهی به گمان و یا با بیان اینکه بنا به مشیت و اذن خدا بعضی ارباب یا اَسَماء و یا بت‌ها آن رنج را برطرف کرده یا در برطرف کردن آن شرکت داشته‌اند، نسبت به خدا که رب

حقیقی جهانیان است مرتکب شرک و رزی می شوند... : «...ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ...» درحالیکه خدا برای این نوع اعمال و عقاید دلیلی نازل نکرده است: «... مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ...» و اگر برخی پیامبران بنا به مشیت خدا هنگام زندگانی خود در دنیا معجزاتی آورده‌اند آن معجزات را خدا در جهت اثبات حقایق ادعای آنان و برای پیشبرد امور رسالت ایشان ایجاد کرده و هیچ پیامبری بطور ذاتی دارای نیروی فوق بشری نبوده است و خود پیامبران نیز به این نکته توجه داده و گفته‌اند: «... إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ... وَمَا كَانُوا لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ... (۱۱ ابراهیم)» و در این راستا خدا به پیامبر خاتم می‌فرماید: «قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ - بگو من مالک سود و زیان خود نیستم مگر آنچه خدا بخواهد و اگر از غیب (جز آنچه به وحی می‌دانم) آگاه بودم از خوبیهای بسیاری بهره می‌بردم و بدی به من نمی‌رسید، من نیستم مگر بیم‌دهنده و مژده‌رسان برای گروهی که ایمان می‌آورند (۱۸۸ اعراف)» و

ث - آیه ۳۴ سوره انبیاء: «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ...» و برای هیچ بشری قبل از تو عمر مداوم ندادیم... و آیه‌های ۳۰ و ۳۱ سوره زمر:

«اِنَّكَ مَيِّتٌ وَّاِنَّهُمْ مَّيِّتُونَ» (ای محمد) تو می‌میری و آنان نیز مردگان و میرندگانند. ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ - سپس روز قیامت (زنده می‌شوید و) نزد پروردگارتان مخاصمه می‌کنید».

ج - آیه‌های ۱۳ و ۱۴ و ۲۲ سوره فاطر: «...وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ - و کسانی را که به جز پروردگاری خوانید مالک پوسته هسته خرمایی هم نیستند (۱۳) اِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ... - هنگامی که بخوانیدشان دعای شما را نمی‌شنوند و اگر هم بشنوند اجابت نمی‌کنند و روز قیامت به شرکی که ورزیده‌اید کفر می‌ورزند... (۱۴) ... وَمَا اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ» - (ای محمد) تو نمی‌توانی سخن خود را به آنان که در گورها هستند برسانی (۲۲ فاطر)».

وقتی گوش و سایر اعضای فوت شدگان از کار افتاده باشد و آنطور که آیاتی نظیر آیه‌های ۲۵۹ بقره، ۱۹ کهف، ۱۱۳ مؤمنون و ۴۵ یونس دلالت می‌کنند بدون بدن زنده نتوانند گذر زمان و چیزی را تشخیص بدهند و پس از زندگی مجدد مدت بیهوشی و مرگ خود را یک روز یا کمتر از یک روز تصور نمایند: «... يَوْمًا اَوْ بَعْضُ يَوْمٍ ... - وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَاَنَّهُمْ لَمْ يَلْبُثُوا اِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ...»، حتی اگر آنان از اهل هلاکت و مردگانی جهنمی نبوده و مانند کشته شدگان در راه خدا اهل حیات طیبه و همچون حضرت عیسی از تقرب و رفعت یافتگان و در آخرت داخل بهشت دارای زندگی شاد و پاکیزه

باشند آیا ممکن است قبل از قیامت سخنها و خواسته‌های مردم دنیا را بشنوند و آنها را به اجابت نیز برسانند؟! آنهم با توجه به اینکه هیچ یک از اعمال انسان بی‌پاداش نمی‌ماند و هر کس شفاعت نیکو و یا شفاعتی بد کند مزد آن را می‌گیرد؟! «مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كُفْلٌ مِنْهَا... (۸۵ نساء)» و اینکه فرصت هر کس برای انجام عمل تا قبل از فوتش می‌باشد: «... قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ... (۱۳۴ و ۱۴۱ بقره)» و اینکه طبق آیاتی نظیر: «... كُنْتُمْ أَشْوَاثًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ... (۲۸ بقره)» در روز قیامت است که خدا با دادن شکل و جان و آگاهی به ما دوباره ما را زنده می‌کند و در آن روز است که همه اعمال ما و حقیقت عملها و نتیجه آنها آشکار می‌گردد: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ... (۱۰۵ توبه) ... وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ (۴۲ رعد). وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (۴۰ نجم). وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ. عَلِمَتْ نَفْسٌ مِمَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵ انفطار)» و اینکه روز قیامت وقت دریافت مزد اعمال است: «... إِنَّمَا تُوقَنُ أَجُورُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... (۱۸۵ آل عمران)» و...

ج- آیه ۱۸۶ سوره بقره: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلَيْسَ سَجْدٌ بِيَّوَالِي وَلِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» و هنگامی که بندگانم از تو درباره من سؤال کنند بگو من نزدیکم (... نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ - از رگ گردن به آنان نزدیکترم (۱۶ ق)) دعای دعاکننده را موقعی که مرا می‌خواند

اجابت می‌کنم پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من بگردند تا شاید (از هدایت قرآن بهره لازم را بگیرند و) رشد یافته رستگار شوند» و آیه ۶۰ غافر: «...أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ-» مرا بخوانید تا برایتان اجابت کنم آنانکه از خواندن و عبادت من تکبر ورزند با خواری داخل جهنم می‌شوند» و...

ح- آیه‌های ۵ و ۶ احقاف: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ-» چه کسی گمراه‌تر است از کسی که غیر خدا را (به حالت دعا) می‌خواند، آن را که تا قیامت هم او را بخواند اجابت نخواهد کرد، و مخلوقاتی که در مقام مخاطب دعا خوانده می‌شوند از دعای دعاکنندگان غافل هستند (۵) «وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ-» و هنگام قیامت وقتی محشور شوند (و حقایق بر ملا گردد، آنانکه مخاطب دعا قرار داده شده و وسیله شرک به خدا گردیده‌اند) دشمن خوانندگان خود خواهند بود و به پرستش عبادت‌کنندگان خویش کفر خواهند ورزید» و...

۳/۱۱/۳- توضیح (در رابطه با مبحث کیفر شرک در مساجد):

اگر شرک را دو نوع بدانیم: شرک در خلقت (شریک قرار دادن

برای خدا در آفریدن موجودات و مالکیت آنها) و شرک در ربوبیت (شریک قراردادن برای خدا در پرورش موجودات و انتظام امور آنها)، در صدر اسلام، غالب مشرکین و بت پرستان مکه خدا را خالق و مالک هستی میدانستند و شرک ورزی آنان نوعاً در ربوبیت (مربیگری یا پروردگاری) خدا بود و اگر از آنها سؤال می‌شد که چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده است می‌گفتند خدا: «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ...» (۳۸ زمر) و شرک ورزی مشرکین مذکور در ربوبیت خدا نیز در حدی نبود که بت ها و بزرگانی نظیر حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) را در ردیف خدا قرار بدهند و هنگام مواجه شدن با خطرهایی از قبیل خطر غرق شدن در دریا، هم از آنها و هم از خدا یاری بخواهند: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِ دَعَا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (۶۵ عنکبوت) همچنین شرک آنان در ربوبیت خدا به حدی نبود که به طور صریح برای خدا شریک مطرح نمایند، وقتی از آنان سؤال می‌شد که چه کسی از آسمان و زمین به شما رزق می‌دهد و چه کسی امور جهان را تدبیر می‌کند؟ می‌گفتند خدا: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ... وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ...» (۳۱ یونس)، حتی بسیاری از آنان پرستش معبودهای ساختگی خود را از موجبات

تَقَرَّبَ به خدا می‌پنداشتند و خواندن آنها و طلب امداد غیبی از آنها را اقدامی غیر مشرکانه و عملی خداپسندانه می‌دانستند: «... وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى...» (۳ زمر) ... همچنانکه در زمان حاضر نیز برخی بت پرستان جهان بت‌های خود را وسیله ارتباط با خدا و واسطه کسب نعمت و رحمت او تلقی می‌کنند و اقدامات عبادی مشرکانه خود را نه تنها مغایر با یگانه پرستی نمی‌دانند بلکه آنرا از موجبات خشنودی خدا و سبب تقرب به او می‌پندارند... البته گرایش به خرافه و شرک در همه قومها کم و بیش وجود داشته و دارد، با توجه به آیه‌هایی نظیر آیات ۱۰۳ تا ۱۷۱ سوره اعراف و ۷۷ تا ۹۸ سوره طه، در زمان حضرت موسی بسیاری از بنی اسرائیل که خدا را خالق و پروردگار جهان می‌دانستند در اثر تبلیغ و توجیه ناصحیح، به سرکردگی سامری که خود را شخصیتی بصیر و دین شناس می‌پنداشت برخلاف آموزه‌های دین خود و علیرغم مخالفت پیامبر مقبول خویش، با زیورالات به ساختن معبودی به شکل گوساله پرداختند (شاید به این خیال باطل که بنا به اذن خدا، آن بت جلوه‌ای از خدا و واسطه‌ای برای نزدیکی به او و وسیله‌ای برای برخورداری از رحمت خدا و کانونی برای همبستگی و موجبی برای کمال و رونق دین آنان است؟!) ...

در جمع‌بندی مفاهیم آیات قرآن کریم به نظر می‌رسد که:

الف/۳/۱۱-۳- قرار دادن نام مخلوق در کنار نام خالق بی‌همتا، از یک طرف، بالانمایی بیش از حد مقام مخلوق و غلو است در مورد او، از طرف دیگر، پایین و کوچک نمایاندن شأن خالق جهان و نوعی تقصیر و اهانت است نسبت به پروردگار بزرگ.

ب/۳/۱۱-۳- دعا خواندن و طلب امداد غیبی کردن از مصادیق پرستش مخاطب دعا می‌باشد و چون تنها خدا شایسته پرستش است لذا هرگاه از غیرخدا انتظار امداد غیبی داشته باشیم و غیرخدا را مخاطب دعا قراردهیم و به درگاه غیرخدا دعا کنیم، مرتکب رفتاری خرافی و مشرکانه گردیده‌ایم.

پ/۳/۱۱-۳- بهترین راه برای اجتناب از ارتکاب شرک و خرافه پرستی این است که ضمن مطالعه عمیق و مداوم قرآن، پندار و گفتار و کردار خود را بر آیات روشن و محکم این کتاب الهی منطبق سازیم و سعی نماییم برای خدا بنده‌ای متواضع، دقیق و متفکر بوده، درحالی‌که با کلماتی نظیر «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» خطاب به او می‌گوییم فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوئیم در گفتار خود صادق باشیم، تا در روز جزا، روزی‌که راستگویان را صداقت‌آنان سود می‌دهد «...يَوْمُ يُنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ...» (۱۱۹ مائده) از زیانکاران نباشیم و در حدی مطلوب از رحمت و رضوان پروردگار برخوردار شویم.

۴- تجویز جنگ‌های دفاعی عادلانه ضمن تأکید به تقویت توانمندی‌های جامعه اسلامی در جهت استقرار صلح عادلانه:

طبق آیاتی که نمونه‌هایی از آن‌ها ذیلاً بیان می‌شود مسلمان اصیل باید آگاه به قرآن^۱، با تقوا^۲، متواضع^۳، حق‌گو^۴، دفاع کننده از حق^۵، کمک کننده به مظلوم^۶، مقاوم^۷، صلح‌جو^۸ و از هر نظر عادل^۹ و نیکو^{۱۰} باشد و خردمندانه برای قرآنی کردن جامعه کوشش کند تا در اثر ارتقاء علم، ایمان، تکنیک و سایر توانمندی‌ها جامعه اسلامی در جایگاه رفیع خود قرار بگیرد و کسی جرأت تجاوز به حقوق مسلمانان را نداشته و صلح و آزادی و امنیت در مناطق اسلامی مستقر باشد^{۱۱} و در صورتی که کفار با تجاوز به حقوق مسلمانان جنگ را به آنان تحمیل نمایند با شدتی که مقتضی اجرای عدالت است با کفار متجاوز برخورد کند^{۱۲} و پیوسته خدا را در نظر داشته باشد و از کمترین ستم حتی نسبت به دشمن ستمگر خود دوری نماید^{۱۳}.

نمونه‌هایی از آیات مرتبط به مبحث جنگ:

۴/۱- لازم است حتی الامکان ساعاتی از شبانه‌روز را به مطالعه قرآن پردازیم و آن را یاد بگیریم و اعتقادات و اعمال خود را به آن تطبیق بدهیم:

آیه ۱۷ سوره قمر و آیه ۲۰ مزمل: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ...» قرآن را برای پندگیری (آموختن و عمل کردن) آسان نمودیم... (۱۷ قمر) ...فَاقْرَأْهُمَا تيسِّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... - پس تا می‌توانید از قرآن بخوانید... (۲۰ مزمل) و...

۴/۲- تقوا نیرویی بازدارنده از هرگونه ستم و محرک انجام نیکویی‌هاست و هر انسانی بخصوص هر مسلمان اصیلی باید باتقوا باشد:

آیه ۱۳ سوره حجرات: «... إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ...» - گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شما می‌باشد...» از میان انسان‌ها انسانی با تقواتر است که در مقابل خدا خاشع‌تر و از نافرمانی او خوفناک‌تر و برای تشخیص وظایف الهی خود جدی‌تر و دقیق‌تر و در انجام آن وظایف

کوشاتر و محتاط‌تر و در راه کسب رضایت و محبت خدا و رسیدن به جوار رحمت او فداکارتر باشد، لذا انسان‌های باتقوا باید کتاب هدایت خدا را بطور مرتّب مورد مطالعه قرار بدهند و با تشخیص حقّ و باطل و عدل و ظلم و خوب و بد، از بدی‌ها دوری کنند و برای انجام امور خداپسند نهایت تلاش خود را به کار ببرند و چنان بر هوای نفس خود مسلط و خداخواه باشند که هنگام جنگ با دشمن متجاوز نیز علاوه بر امتناع از ارتکاب هرگونه ستم، اگر دشمن آنان بخواهد مطلبی در مورد دین بداند، طبق آیه ۶ سوره توبه که می‌فرماید «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ...» هرگاه یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود سپس به مکان امنش برسان...» اگر شده آن دشمن فرد پیمان شکنی باشد که سال‌ها علیه اسلام توطئه و پیکار نموده و صدمات زیادی به مسلمانان وارد کرده و در اخراج رسول خدا از خانه و شهرش شرکت داشته است به او پناه می‌دهند تا به پیام قرآن آگاهی بیشتری یافته و از ناحیه مسلمانان در تبلیغ قرآن و فراهم کردن موجبات رستگاری دشمن کوتاهی صورت نگرفته باشد.

۴/۳- بنده و تسلیم خدای مهربان با مردمان مهربان و متواضع می باشد:

آیه ۶۳ سوره فرقان: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (از صفات) بندگان خاص خداوند مهربان (آن است که) ملایم و متواضعند و بدون تکبر بر زمین راه می روند و زمانی که افراد جاهل آنان را مورد خطاب قرار می دهند در پاسخ به آنان سلام می گویند» و...

۴/۴- مسلمان دقت و بررسی می کند تا سخنی که می گوید منطبق با واقع، خدشه ناپذیر، خردمندانه، کامل و پاک باشد و از سخن او کمترین ستم و فساد ایجاد نگردد:

آیه ۷۰ سوره احزاب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» ای اهل ایمان از نافرمانی خدا پرهیزید و به حق سخن بگویید. و ...

۴/۵- در دفاع از حق:

الف/۴/۵- کسانی که مورد ستم قرار گرفته اند و برای دفاع از حق خود راه صحیحی بغیر از جنگ نمی یابند اجازه دارند که جنگ نمایند:

آیات ۳۹ تا ۴۱ حج: «أُدْنِ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ لَا يُلَاحِظُونَ أَسْرَارَ اللَّهِ» (اگر چه) برای کسانی که جنگ از طرف دشمن به آنان تحمیل شده

است و مورد ستم قرار گرفته‌اند اجازه جنگ داده شد و خدا بر یاری آنان توانا می‌باشد (۳۹) **الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ أَلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ** - همان کسانی که چون می‌گفتند پروردگار ما خداوند یکتا است به ناحق از خانه‌های خود رانده شدند و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند صوامع و بیع و نمازها و مسجدهایی که در آن‌ها زیاد یاد خدا می‌گردد همه خراب شده به نابودی می‌رفت، و خدا یاری می‌کند کسی که او را یاری کند خدا قوی و شکست‌ناپذیر است (۴۰) **الَّذِينَ أَنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ** - (یاری کنندگان خدا) آنانند که هرگاه در زمین به آنان تمکن بدهیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به خوبی و نهی از بدی می‌نمایند، و سرانجام امور برای خدا است (۴۱)» و...

ب/ ۵/ ۴- دفاع باید متناسب با حمله و ستم دشمن باشد:

آیه‌های ۱۹۰ و ۱۹۳ سوره بقره: **«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ** - (ای گروندگان به قرآن) با کسانی که با شما جنگ می‌کنند در راه خدا جنگ کنید (رضای خدا را در نظر داشته

باشید) و از عدالت تجاوز نکنید که خدا ستم‌کنندگان را دوست ندارد (۱۹۰) ... وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ أَلَا عَلَى الظَّالِمِينَ - و با آنان جنگ کنید تا فتنه برطرف شود و دین برای خدا باشد (و مانع تبلیغ قرآن و باز دارنده از عمل به آن نباشند) پس اگر (از ادامه جنگ و فتنه) باز ایستادند (جز با ستمگران با بقیه آنان دشمنی نکنید که) دشمنی جز بر ستمگران روا نمی‌باشد (۱۹۳) و...

پ/۵/۴- برای دفاع از حق در مقابل مشرکین و کفاری که پیمان ترک مخاصمه را شکسته و آغازگر جنگ و اخراج‌کننده مسلمانان از شهر و مانع اجرای قرآن و طعنه زننده به حقایق دین اسلامند می‌باید جنگید:

آیات ۱۲ و ۱۳ و ۳۶ توبه: «وَأَن نَّكْثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلِئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يُتَنَهَوْنَ - اگر پس از بستن پیمان، سوگند خود را شکستند و در دین شما طعنه زدند، با امامان کفر بجنگید تا شاید (ازضربه وارد کردن به اسلام) بازایستند (۱۲) أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ... - آیا با مردمی که سوگند خود را شکستند و برای اخراج رسول کوشیدند و آغازگر جنگ

بودند نمی‌جنگید؟... (۱۳)... وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ - همچنان که مشرکان همگی به جنگ شما برخاسته‌اند شما نیز همگی به جنگ آنان برخیزید و بدانید که خدا با اهل تقوی می‌باشد (۳۶) و آیه ۳۹ سوره انفال: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ - و با آنان بجنگید تا فتنه برطرف شود (و مانع تبلیغ و اجرای قرآن نباشند) و همه دین برای خدا باشد...» و...

ت/۵/۴- لزوم جنگ با گروهی از مسلمانان که به گروهی دیگر ستم می‌کنند و نمی‌خواهند از تجاوز به حقوق آنان خودداری و یا تجاوز خود را جبران نمایند:

آیه ۹ حجرات: «وَأَن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ أَحَدُهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيَّ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاتَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ - اگر دو گروه از مؤمنان بایکدیگر به جنگ برخاستند، میانشان آشتی بدهید و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری ستم نمود با آن گروهی که ستم می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر به فرمان خدا بازگشت، میانشان صلحی عادلانه برقرار کنید و (نسبت به دوست و دشمن) عدالت نمایید که خداوند عدالت‌کنندگان را دوست می‌دارد» و...

ث/ ۴/۵- اجازه پیکار با کافران به قرآن که به صورت اقلیت در کشور اسلامی زندگی و بطور خصمانه یا به حالت طغیانگری از پرداخت مالیات عادلانه خودداری می کنند، پس از ابلاغ قرآن و رعایت قُبْحِ عِقَابِ بِلایان:

آیه ۲۹ سوره توبه: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» - با کسانی (از اقلیت های کشور) که علیرغم ابلاغ کتاب خدا (و توان بهره مندی از هدایت قرآن) به خدا و آخرت ایمان نمی آورند و آنچه خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی دانند و دین حق را دین نمی دارند جنگ نمایید تا به دست خود جزیه (یا مالیات و سهم عادلانه از مبلغ خدمات مورد بهره برداری را) بپردازند و (رفتارتان قرآنی، خردمندانه و عادلانه باشد تا آنان) در برابر احکام اجتماعی قرآن تواضع و به ضوابط جامعه اسلامی عمل نمایند» و...

۴/۶- برای کمک به انسان های مظلوم و دفع ستم از آنان اگر راه های مسالمت بسته باشد جنگ می باید کرد:

آیه ۷۵ سوره نساء: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ

مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا
وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا - چرا در راه خدا و
مستضعفین از مردان و زنان و کودکان تحت ستم که می‌گویند خدایا ما را از
این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما یار و یابوری قرار بده جنگ
نمی‌کنید؟».

۴/۷- مسلمان باید در راه خدا مقاوم و برای اجرای عدالت
و احقاق حق استوار باشد:

آیه ۱۲۳ سوره توبه: «قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ - ای اهل ایمان با کافران حربی که برای جنگ با
اسلام به سوی شما برگشته و به شما نزدیک شده‌اند بجنگید، باید در شما
غلظت بیابند (شما را در جنگ قوی و در عمل به قرآن پابرجا و خود را از
نفوذ بر شما ناتوان ببینند) و بدانید که خدا با تقوا پیشگان است (و در هر
موقعیتی نباید تعدی یا تفریط نمایید)» و آیه‌های ۱۵ و ۴۵ سوره انفال:
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَذْبَارَ - ای کسانی که
ایمان آورده‌اید هرگاه با تهاجم کافران روبرو شدید با پشت کردن بر آنها از
مبارزه فرار نکنید (۱۵) ... إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
- هنگامی که گروهی از دشمنان را ملاقات کردید پایداری کنید و خدا (و

دستورالعمل‌های او در قرآن) را زیاد یاد کنید، باشد که رستگار شوید (۴۵)»
و آیه ۴ سوره صف: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ
مَرْصُوصٌ»- خدا کسانی را که همچون صفی استوار در راه او پیکار می‌کنند
دوست می‌دارد» و...

۴/۸- مسلمان جنگ طلب نیست و تا جایی که عدالت قرآنی
خداشه‌دار نشود صلح جویانه با مشکلات برخورد می‌کند:

آیه ۲۰۸ بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...»- ای اهل ایمان
همگی به سلم اندر آیید (تسلیم خدا و صلح جو باشید...) و آیه ۱۲۸ نساء:
«...وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...»- صلح خوب است...» و آیه ۱۰۸ انعام: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ
يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...»- آنان را که جز از خدا
می‌خوانند دشنام ندهید (اگر شما به مشرکان و یا به مقدسات آنان دشنام
بدهید) آنان نیز خصمانه و به نادانی خدا را دشنام می‌دهند...» و آیه ۱ انفال:
«...فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ...»- بترسید از نافرمانی خدا و روابط خویش
را اصلاح و بین خود صلح برقرار کنید...» و آیه‌های ۱۵۱ و ۱۵۲ شعرا:
«وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ»- و دستور اسراف‌کاران را اطاعت نکنید (۱۵۱)
الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ»- آنان که در زمین فساد می‌کنند و
اصلاح نمی‌نمایند» و آیه ۱۴ جاثیه: «قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

ایّامِ الله... - به مؤمنان بگو کسانی را که به (قیامت و سایر) ایّامِ الله امید ندارند ببخشند (و به خدا واگذارند) «...» و آیه‌های ۵۵، ۵۶، ۵۷ و ۶۱ سوره انفال: «انْشُرَالْدَّوَابَّعِنْدَاللهِ الَّذِيْنَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ» - هر آینه بدترین جنبندگان در نزد خدا آنها هستند که کافر شده‌اند و (به حقایق روشنی که در قرآن بیان گردیده است) ایمان نمی‌آورند (۵۵) الَّذِيْنَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُوْنَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُوْنَ - آنها که هر بار از ایشان پیمان گرفتی پیمان خود را شکستند و (از پیمان‌شکنی، خیانت و ستمگری) پروایی ندارند (۵۶) فَاَمَّا تَثَقَفَتْهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُوْنَ - پس اگر آنها را در جنگ یافتی طوری پراکنده‌شان ساز که پستی‌هایشان نیز پراکنده شوند باشد که عبرت گیرند (۵۷) «...» وَاِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ - و اگر تمایل به صلح نشان دادند تو نیز مایل به صلح باش و بر خدا توکل کن که او شنوا و دانا است (۶۱) و آیه ۲۵۶ بقره: «لَا اِكْرَاهُ فِي الدِّيْنِ...» - در پذیرش دین اکراه نیست... و...

۴/۹- انسان‌ها به‌ویژه مسلمانان که خود را تسلیم اوامر خدا می‌دانند باید دارای پندار، گفتار و کرداری عادلانه باشند و برای عدالت قیام کنند:

آیه ۲۵ سوره حدید: «لَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَاَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ

وَالْمِيزَانِ لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... - ما رسولانمان را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و میزان (وسیله شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند... و...

۴/۱۰- انسان‌ها بخصوص مسلمانان باید از پندار، گفتار و کرداری نیکو برخوردار باشند و پیوسته در مسیر خیر و صلاح، راستی و درستی و حق و عدل تلاش نمایند:

آیه ۱۹۵ سوره بقره: «...وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» - نیکویی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» و آیه‌های ۲ و ۳ سوره عصر: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ - قطعاً انسان زیانکار و دچار خسارت می‌باشد» (۲) «إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ» - مگر کسانی که (به آنچه رسولان خدا لزوم ایمان به آن را ابلاغ کرده‌اند) ایمان آورده‌اند و (طبق وحی الهی، و در زمان امامت قرآن به هدایت این کتاب الهی) عمل‌هایشان نیکو بوده و یکدیگر را به حق توصیه نموده و برای استقامت در مسیر حق (ضمن تهیه وسایل مورد نیاز) به یکدیگر سفارش‌های لازم را کرده باشند» و...

۴/۱۱- مسلمانان باید آنچنان قوی و عزتمند باشند که کسی

جرات تجاوز به حقوق آنان را نداشته باشد:

آیه ۵۵ سوره نور: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» خدا کسانی را از شما که (به قرآن) گرویده و دارای اعمالی شایسته‌اند نوید می‌دهد که آنان را در زمین خلافت بخشد آنچنان که کسانی را قبل از ایشان خلافت بخشید...» و «آیه‌های ۶۰ و ۶۵ انفال: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» تا می‌توانید خود را نیرومند و به بهترین سلاح‌ها و وسایل ارتباطی و سواری مجهز سازید به‌طوری‌که دشمن خدا و دشمن خود و بعضی جمعیت‌های دیگر را که خدا می‌شناسد بترسانید (تا جرات نکنند به حریم اسلام و به حقوق مسلمانان تجاوز نمایند)... (۶۰) ...وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا آلَافًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِهِمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ- و اگر (خود و جامعه خویش را به هدایت قرآن قوی ساخته و هنگام نبرد نیز صابر باشید) صد نفر از شما بر هزار نفر از کافران اسلام ستیز غلبه می‌کنند زیرا آن کافران فاقد بینش و دانش عمیقند» و آیه ۱۱ رعد: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» خدا وضعیت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آن قوم وضع خود را تغییر بدهند (هر قوم و

ملتی که بیشتر و آگاهانه‌تر به آموزش‌های قرآنی عمل کند قوی‌تر و عزتمندتر و از نعمتهای بیشتر بهره‌مند می‌گردد» و...

۴/۱۲- با کفار حربی که برای رسانیدن آسیب به اسلام فتنه و جنگ می‌نمایند باید با قاطعیت و شدتی عادلانه برخورد کرد، باشد که دیگر به حقوق مسلمانان تجاوز ننمایند:

آیه ۲۹ سوره فتح: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» محمد(ص) فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار (دشمنان حربی اسلام) شدید و در بین خود مهربان می‌باشند...» طبق آیاتی نظیر آیه‌های ۸ و ۹ سوره ممتحنه، به کفار غیر حربی که در امر دین به مسلمانان صدمه نزده‌اند می‌توان ملایمت و نیکویی کرد و تا آنجا که برای اسلام ضرری نداشته باشد با آنان دوستی نمود: «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَاهَدُوا عَلَيْكُمْ وَلَا يُخْرِجُكُم مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» - خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که با شما در امر دین پیکار نکردند و از خانه‌هایتان بیرون نراندند باز نمی‌دارد (در هر حال و با هر کس عدالت را رعایت کنید زیرا) خدا عدالت پیشگان را دوست می‌دارد (۸) اِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ

فِي الدِّينِ وَآخِرَ جُودِكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ اخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ- خدا شما را از دوستی با کسانی بازمی‌دارد که در امر
دین با شما پیکار کردند و از خانه‌هایتان بیرون راندند و یا به بیرون راندن شما
کمک کردند و هر کس با این کافران دوستی کند ستمگر می‌باشد» ...

۱۳/۴- باید پیوسته خداوند را در نظر داشت و ضمن تبیین
حقایق و تحلیل وقایع، از کمترین ستم حتی نسبت به دشمن
ستمگر خود دوری نمود:

آیه ۹۴ نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا
لِمَنْ ءَلَقِيَ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ
كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا-
ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی در راه خدا مبارزه می‌کنید باید (حقانیت
دین خدا و درستی روش خود را برای دیگران به‌ویژه برای دشمنان، و علت و
چگونگی جنگ و صلح دشمن را برای خود) تبیین و روشن نمایید و به کسی
که (از سپاه دشمن) به شما سلام می‌دهد (به گمان اینکه کافر و قصد او
فریب و غافلگیری است) نگویید مؤمن نیستی، اگر غنیمت زندگانی دنیا را
می‌جوئید، غنیمت‌های زیاد نزد خدا است شما از قبل آنچنان بودید (کفر
می‌ورزیدید و برای متاع دنیا ستیز می‌کردید) خدا بر شما منت نهاد (و برای

ایمان و عمل به حق به وسیله قرآن هدایتان نمود و اکنون که هدف شما تبلیغ قرآن و اجرای عدالت برای کسب رضایت خداوند است نباید در اثر کوتاهی در بیان حق و به سبب گمان باطل مرتکب ظلمی شوید که روز جزا شرمنده و پشیمان باشید) پس تبیین کنید (واگر کسی جرم قابل مجازاتی نکرده است و خطری هم برای شما ندارد او را رها کنید و بدانید که) خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» و آیه ۸ مائده: «...كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...» - قوام یافته و قیام‌کننده و مستقیم برای خدا بوده، شهادت‌دهنده به حق و عدل، و الگوی راستی و درستی (بر سایر ملت‌ها) باشید و کینه و دشمنی نسبت به قومی موجب بی‌عدالتی و مجرمیت شما نباشد (و چون هر انسانی باید متقی باشد لذا) عدالت کنید که عدل به تقوا نزدیک‌تر است...» و...

تبصره - باتوجه به آیاتی نظیر: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اَلَيْنَا تُرْجَعُونَ» - همه کس مرگ را خواهند چشید و بیازماییم شما را به بدی و خوبی آزمودنی (دقیق) و (پس از مرگ با برپائی قیامت) به سوی ما رجعت داده می‌شوید (۳۵ انبیاء) انسان به طرق مختلف در دنیا مورد امتحان قرار می‌گیرد تا ضمن ساختن خویش چگونگی بینش، تقوا، عدالت و بندگی خود را مشخص کند و در آخرت به جزا و جایگاهی که شایسته ایمان و عمل و شخصیت اوست برسد، در این راستا، کسی

که دارای پندار و اعمالی ناپسند باشد و بطور عمد در جهت خلاف حکم خدا انسانی صالح را نیز بکشد، با ارتکاب این جنایت ممکن است ثابت نماید که از تقوا و عدالت خالیست و در صورت داشتن فرصت و مکنت، از کشتن بقیه انسان‌ها نیز در جهت ارضای امیال و اغراض خود امتناع نخواهد کرد و به این سبب در آخرت همچون کشنده تمام انسانها با او برخورد شود و دائماً در عذابی الیم گرفتار باشد: «...مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» - هر کس انسانی را که کسی را نکشته یا در زمین فساد ایجاد نکرده است بکشد مثل آنست که همه انسان‌ها را کشته است... (۳۲ مائده) و...

۵- لزوم بازنگری در منشور ملل متحد، حذف اختیار وتو و افزایش صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری:

وتو کردن راه حل اختلافی که آن اختلاف مُخْلِصِ صلح و امنیت بین‌المللی است توسط عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد (یا ممانعت عضو دائمی شورای مذکور از به تصویب رسیدن تصمیمی عادلانه) و یا اتخاذ بعضی تصمیمات تبعیض‌آمیز و ناروا در شورای امنیت، از اقداماتی می‌باشند که علاوه بر ناهماهنگی با آموزشهای قرآن^(۱) و سایر کتابهای الهی، با مقاصد و بعضی اصول مقید در منشور ملل متحد^(۲) (مبنی بر حفظ صلح و امنیت عادلانه) هماهنگی ندارند و ممکن است خود آنها محرکی برای بعضی جنگها و پشتوانه برخی ستمها نظیر کشتار و بیرون راندن گروههایی از مردم فلسطین بوده و در افزایش کینه‌ورزی و رفتارهای انتقامجویانه و ناامنی مناطق مختلف جهان مؤثر باشند، لذا می‌باید با بازنگری در منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و با اصلاح بعضی مواد آنها (بخصوص مواد ۲۳، ۲۷، ۱۰۸ و ۱۰۹ منشور که طبق آنها پنج عضو از پانزده عضو شورای امنیت شامل آمریکا، بریتانیا، فرانسه، شوروی و چین عضو

دائمی این شورا بوده و جز موارد استثنائی بدون موافقت تمامی ۵ عضو مزبور صدور قطعنامه از شورای امنیت و اصلاح منشور و به تبع آن اصلاح اساسنامه دیوان ناممکن گشته است) ترتیبی اتخاذ شود که ضمن غیردائمی شدن کلیه اعضاء شورای امنیت و حذف اختیار وتو، به موارد و میزان صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری نیز افزوده گردد و دادگاههای بین‌المللی علاوه بر بعضی مسائل دولتها، به اتهامات و دعاوی مهمی که در دادگاههای محلی رسیدگی عادلانه آنها مقدور نباشد، بطور بیطرفانه و عادلانه رسیدگی نمایند تا با گسترش دامنه عدالت در جهان، حکم قرآنی «...لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» - نه ظلم کنید و نه مورد ظلم قرار گیرید (سوره بقره، ۲۷۹) در نقاط مختلف بصورت اصلی تخلف‌ناپذیر مورد پذیرش و عمل قرار گیرد و همه ملل جهان اعم از قوی و ضعیف با حُسنِ همجواری و احترام متقابل و با اطمینان به اینکه هیچ ستمگر و متجاوز از تعقیب عادلانه مصون نخواهد ماند از تهیه و انبار وسائل کشتار جمعی خودداری نمایند و کارخانه‌های اسلحه‌سازی با تغییر مقادیر قابل توجهی از محصولات خود به وسائل رفاهی، و ارتش کشورها با پرداختن به کارهای آبادانی و عام‌المنفعه، و دولتها و مدیران جوامع با صرف امکانات موجود در مسیر سازندگی و در جهت رفع نیازمندیهای اساسی مستضعفین، کلیه نقاط قابل سکونت جهان را از

تسهیلات مناسب رفاهی برخوردار کنند و با تقسیم عادلانه امتیازات مادی و معنوی میان همه ملل و مناطق جهان و با تعقیب تجاوزکنندگان به حقوق انسانها توسط دادگاههای ملّی و بین‌المللی و با فراهم کردن امکان بهره‌مندی عموم افراد از آزادیهای عادلانه، موجبات ظهور جنگهای مختلف برطرف شود و صلح و امنیت در کلّ جهان برقرار و مداوم باشد...

۵/۱- نمونه‌ای از آیات قرآن در رابطه با ممنوعیت ایجاد ناامنی و هر نوع اقدام ناعادلانه دیگر:

با استنباط از آیاتی نظیر آیه‌های ۲۰۴ و ۲۰۵ سوره بقره مشعر به: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ. وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» بعضی مردمان با ظاهری خیرخواه و گفتاری بشردوستانه خود را طرفدار عدالت و امنیت و خواهان صلح و دوستی جلوه می‌دهند، اما از تجاوز به حقوق دیگران و ایجاد ناامنی و فساد پروا نمی‌کنند و با بهانه‌های مختلف به نابودی کشت و زرع و هلاک کردن انسانها و به ایجاد فساد می‌پردازند، درحالی‌که خداوند فساد را دوست نمی‌دارد و در آیاتی مانند آیه ۱۳۵ سوره نساء با بیان: «...كُونُوا قَوَّامِينَ

بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ...» خواسته است قیام‌کننده به عدالت و شهادت‌دهنده برای رضای خدا باشیم حتی اگر در دنیا به زیان ما یا به زیان پدر و مادر و نزدیکانمان باشد و در آیه ۸ سوره مائده می‌فرماید: «...وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَاؤُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا...» - دشمنی قومی موجب بی‌عدالتی و مجرمیت شما نشود، باید در همه موارد عدالت کنید...» و در آیه ۱۵۲ سوره انعام با تأکید به اینکه: «...إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى...» - وقتی سخنی می‌گوئید عدالت کنید اگرچه به زیان نزدیکان باشد» و در آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره شعرا با بیان: «وَلَا تَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ - و دستور اسرافکاران را اطاعت نکنید. الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلَحُونَ - آنان که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌نمایند» همچنین با واجب نمودن امر به معروف و نهی از منکر و بیان: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران)، علاوه بر آنکه شخص ما را از هر نوع بی‌عدالتی و تبعیض ناروا و فساد منع فرموده است، می‌خواهد قیام‌کننده به عدالت بوده و مانع بی‌عدالتی و فساد دیگران نیز باشیم...

۵/۲- موافقت اجمالی منشور ملل متحد با حفظ صلح و امنیت عادلانه بین‌المللی:

ماده ۱ منشور ملل متحد مصوب ۱۹۴۵ میلادی: «مقاصد ملل متحد بقرار زیر است: ۱- حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور بعمل آوردن اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و تصفیه اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با وسایل مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل، ۲- توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی، ۳- حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و، ۴- بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدفهای مشترک معمول می‌دارند.» و...

در خاتمه: ما انسان‌ها معمولاً عقاید و اعمال ناشی از عقاید خود را صحیح و حق می‌دانیم و در دنیا از داشتن آن‌ها خوشحالی نیز می‌نمائیم: «...كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (سوره مؤمنون و ۳۲ سوره روم) «درحالی‌که علاوه بر کتاب هدایت خدا که میزان تشخیص حق و باطل بوده و اعتقادات و اعمال ناصحیح را مشخص نموده است، اختلاف‌هایی که بین باورهای پیروان مذاهب و تضادهایی که میان گروه‌های مختلف وجود دارد دلیلی واضح به ناصحیح بودن اکثر عقاید و اعمال ما جهانیان است و برای آنکه در آخرت دچار اندوه و مشکلاتی عظیم و خساراتی غیرقابل جبران نباشیم واجب است با استفاده از قرآن (که تنها کتاب کامل برای هدایت بشر بوده که به نسبت کتاب‌هایی نظیر تورات و انجیل، از آمیخته شدن با روایات و تغییر و تبدیل مصون مانده است) اعتقادات و اعمال خود را خردمندانه مورد رسیدگی و ارزیابی قراردهیم و ضمن مطالعه دقیق این کتاب الهی، درجهت کسب رضای خدا و با امید به برخورداری از یاری او، در رفع ایراد عقاید و اعمال خویش بکوشیم: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» و کسانی که در ما کوشیدند (و با تدبیر در قرآن برای تشخیص حق و پذیرش و عمل آن تلاش نمودند) آنان را به راه‌های خویش هدایت می‌کنیم، و محققاً خداوند با نیکوکاران است (۶۹ عنکبوت)» و علاوه بر اینکه نسبت به همه، اعم از دوست و دشمن رفتارمان عادلانه باشد از نیکی به یکدیگر

منجمله به کافرانی که در مورد دین با مسلمانان جنگ نکرده‌اند مضایقه ننماییم: (سوره ممتحنه) و بخصوص نسبت به مسلمانان نه تنها کمترین دشمنی و کینه‌ای نداشته باشیم بلکه آنان را برادران ایمانی خود دانسته و همیشه خیرخواه و دعاگوی ایشان باشیم و به پیشگاه خدا عرضه بداریم که: «... رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِأَخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» - پروردگارا ما را و برادرانمان را که پیش از ما ایمان آورده‌اند ببخش و هیچ کینه‌ای نسبت به مؤمنین (به قرآن) در دل ما قرارده، پروردگارا بدرستی که تو رؤوف و رحیمی (۱۰ حشر)». و توجه داشته باشیم که بعضی روایات و ساخته‌های خلاف قرآن علاوه بر افزایش تفرقه و خصومت و دامن زدن به ضعف و عقب‌ماندگی‌ها موجب تغییر دین اسلام، یا سبب مشکل شدن پذیرش آن و یا باعث سخت شدن اجرای دین در جامعه می‌باشند و تبلیغ و پیروی آنها گناهی بزرگ و حتی ممکن است دروغ بستن به خدا و رسول و یا روگردانی از قرآن محسوب شود و بدیهایی را از انواع ذلت و عذاب با خود داشته باشد: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا...» - چه کسی ظالمتر است از آنکه به خدا دروغ ببندد (سوره انعام) ... اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ... - از بسیاری از گمانها اجتناب کنید قطعاً بعضی گمانها گناه می‌باشند... (۱۲ حجرات). وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ... - و آنچه

را به آن علم نداری تبلیغ و پیروی مکن... (۳۶ اسرا). فَأَذَلَمَ يَأْتُوا بِالشَّهْدَاءِ
 فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ... - اگر (اتهامی ناروا به کسی می زنند و برای
 اثبات آن) تعدادی شاهد نیاوردند ایشان نزد خدا دروغگومی باشند... -
 تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ... - به زبانهایتان چیزی می گوید که به
 آن علم ندارید... (۱۱ تا ۲۱ نور). وَإِذَا نَعَّمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَغْرَضَ وَتَابَ جَانِبَهُ
 وَإِذَا مَسَّ الشُّرُكَانَ يَوْسَا... - هرگاه به انسان (نعمتی همچون قرآن را) انعام
 دادیم اغراض کرد و به کنارش نهاد و وقتی (به علت گرایش به باطل) شری
 به او رسید ناامیدانه دعا و فغان می کند... (۸۲ تا ۸۴ اسرا و ۴۰ تا ۵۲ فصلت).
 هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ... - خدا
 بر بنده خود آیات روشن (قرآن) را نازل می کند تا شما را از تاریکیها خارج
 کند و به نور برساند (۹ حدید). ... وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ هَٰذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَن بَلَغَ... -
 و این قرآن به من وحی گردید تا شما و هر که را که قرآن به او برسد به
 وسیله آن هشدار بدهم (۱۹ انعام). إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعَاءَ لِّسَتٍ
 مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ... - (ای محمد) آنان که دین خود را جدا کردند و (به جای
 آنکه پیرو تو و تابع قرآن باشند) گروههای مختلفی تشکیل دادند نه تو از آنان
 هستی و نه آنان از تومی باشند... (۱۵۹ انعام). إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ
 بِالْغَيْبِ... - به واقع تو کسی را بیم می دهی (و به راه راست هدایت می کنی)
 که از قرآن متابعت و از (من) بخشنده پروا می کند... (۱۱ یس). وَمَن أَغْرَضَ عَن

ذَكَرَى فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ... - و کسی که از ذکر من (قرآن) روی بگرداند زندگی سخت و تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم... (۱۲۴ تا ۱۲۶ طه). وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ - و آنان که متمسک به کتاب خدا و اجراکننده آنند و نماز (و دعا به درگاه خدا) را بر پا می‌دارند ما (هرگز) اجر (اینچنین) اصلاح‌کنندگان را ضایع نمی‌کنیم (۱۷۰ اعراف). فَاسْتَمْسِكْ بِالْأَذَىٰ أَوْحِيَ إِلَيْكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - پس به آنچه به تو وحی شده چنگ بزن (در این صورت) تو بر راه راست هستی (۴۳ زخرف) وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ - قطعاً این (قرآن) قانون تو و قانون قوم توست و به زودی (در مورد نحوه عمل به آن) مورد سؤال قرار خواهید گرفت (۴۴ زخرف). إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرَماً فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ - و کسی که گنهگار نزد پروردگارش آید جهنم برای اوست که نه در آن می‌میرد و نه زندگی می‌کند (۷۴ طه)...

با تشکر از شما حق‌جویان عزیزی که به احترام قرآن سخنان نارسای این نگارنده کوچک را تحمل فرموده‌اید و برای رفع نواقص آن و در جهت رستگاری خویش قرآن را مورد تدبّر و تفکّر قرار می‌دهید.

«وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ»

ما انسان‌ها معمولاً عقاید و اعمال ناشی از عقاید خود را صحیح و حق می‌دانیم و در دنیا از داشتن آن‌ها خوشحالی نیز می‌نمائیم: «...كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» درحالی که علاوه بر کتاب هدایت خدا که میزان تشخیص حق و باطل بوده و اعتقادات و اعمال ناصحیح را مشخص نموده است، اختلاف‌هایی که بین باورهای پیروان مذاهب و تضادهایی که میان گروه‌های مختلف وجود دارد دلیلی واضح به ناصحیح بودن اکثر عقاید و اعمال ما جهانیان است و برای آنکه در آخرت دچار اندوه و مشکلاتی عظیم و خساراتی غیرقابل جبران نباشیم واجب است با استفاده از قرآن (که تنها کتاب کامل برای هدایت بشر بوده که به نسبت کتاب‌هایی نظیر تورات و انجیل، از آمیخته شدن با روایات و تغییر و تبدیل مصون مانده است) اعتقادات و اعمال خود را خردمندانه مورد رسیدگی و ارزیابی قرار دهیم و ضمن مطالعه دقیق این کتاب الهی، در جهت کسب رضای خدا و با امید به برخورداری از یاری او، در رفع ایراد عقاید و اعمال خویش بکوشیم.

